



نیروهای امریکایی در حمایت از نیروهای افغان در قندهار حملات هوایی انجام داده‌اند

وزارت دفاع ایالات متحده‌ی امریکا (پنتاگون) تأیید کرده است که نیروهای این کشور در چند روز پیش مواضع طالبان را در بخش‌های مختلف ولایت قندهار در جنوب افغانستان هدف حملات هوایی قرار داده‌اند.



صفحه ۲

مجلس نمایندگان امریکا
طرح افزایش صدور ویزا
برای همکاران افغان نیروهای
امریکایی را تصویب کرد

صفحه ۲

سی‌ان‌ان:
طالبان فردی را که به‌عنوان
ترجمان نیروهای امریکایی
کار کرده بود، سر بریده‌اند



صفحه ۲

بحران هویت امریکا

صفحه ۵

طالبان در گرو جهل مقدس

صفحه ۷

درباره‌ی مثلث اوهام در ارگ

صفحه ۷

یادداشت روز

طالبان مسئول تشدید خونریزی‌هاست

پیام عیدی رییس‌جمهور غنی که لحظاتی پس از شلیک سه موشک به سمت ارگ ریاست‌جمهوری آن را اعلام کرد، حاوی بزرگ‌ترین چرخش در موضع سیاسی رییس‌جمهور نسبت به طالبان بود. در طول بیش از شش سال، از زمان روی کار آمدن رییس‌جمهور غنی در قدرت تا کنون، او هیچ‌گاه چنین صریح و قاطع از ضرورت جنگ با طالبان سخن نگفته بود. رییس‌جمهور غنی گفت طالبان صلح نمی‌خواهند و به این دلیل، راهی جز تمرکز حکومت بر دفاع از کشور در برابر حملات این گروه باقی نمانده است. رییس‌جمهور غنی تصریح کرد دفاع در برابر حملات طالبان اکنون از حدود دفاع از نظام خارج شده و این مقاومت و دفاع مشترک توسط دولت و مردم، جنگ برای حفاظت از زندگی است.

مردی که در طول شش سال گذشته، همواره از ضرورت تعقیب روند صلح و پافشاری بر راه‌حل سیاسی به‌جای گزینه‌های نظامی سخن می‌گفت و گام به گام در برابر مطالبات طالبان انعطاف‌های مرحله به مرحله از خود نشان داد...

۲

تحلیل ۴

فرا رسیدن لحظه‌ی سرنوشت (۱)

کمیل و توسل و عاشورا ... می‌خواندند. با خروج نیروهای شوروی، مسلم شد که دولت خلقی کابل به پایان عمرش نزدیک است. بنابراین احزاب هشتگانه پیشاورنشین که به استثنای سران تاجیک جمعیت اسلامی عمدتاً پشتون تبار بودند، بدون هیچ توجهی به مردم هزاره و اوزبیک در بین خود جلسات و...

تحولات یک سال اخیر، شباهت عجیبی به یک برهه‌ی تاریخی بسیار مهم و نه‌چندان دور دارد. تا قبل از خروج نیروهای شوروی، مردم هزاره بعد از بیرون کردن ادارات دولتی کمونیستی از مناطق‌شان، در قالب احزاب محلی هفت‌گانه مشغول رقابت و جنگ داخلی با یکدیگر بر سر قول و قریه شدند و حتا برای پیروزی علیه همدیگر، دعای

تحلیل ۴



کارکرد بحران در سیاست خارجی پاکستان

اشاره: این نوشته قسمت دوم از یک سلسله نوشته‌ها در مورد مسائل پاکستان است که از این آدرس به نشر خواهد رسید. قسمت اول این نوشته تحت عنوان «نظامیان و سیاست خارجی؛ سیاست خارجی پاکستان را چه کسانی می‌سازند؟» منتشر شد...

ترجمه

توجه ایران به افغانستان معطوف شده است

به‌نظر می‌رسد وخیم‌تر شدن وضعیت امنیتی افغانستان و سقوط سریالی ولسوالی‌های این کشور به‌دست گروه طالبان، رهبری ایران را نگران کرده است. با وجود این امکان دارد جمهوری اسلامی تحولات اخیر در افغانستان را فرصتی برای گسترش نفوذ منطقه‌ای تهران و کسب امتیاز در برابر ایالات متحده ببیند. وزارت امور خارجه ایران در ۷ و ۸ جولای میزبان هیئت‌های حکومت افغانستان و گروه طالبان در تهران بود تا ضمن ابراز نگرانی‌های امنیتی خود برای این دو هیئت، خلأ دیپلماتیک به میان آمده ناشی از خروج نیروهای امریکایی را در افغانستان به سرعت پر کند.

تهران علاوه بر تلاش‌های دیپلماتیک، آرایش نظامی خود را در امتداد مرزهای افغانستان تقویت کرده است. تصاویری که اخیراً در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده...

۳

بسته‌های ویژه اینترنتی برای
بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



AFGHANET

اکنون عملاً شیپور یک جنگ و مقاومت فراگیر در سراسر افغانستان علیه طالبان را نواخته است. این تغییر موضع، پیام تلخی برای افغانستان است؛ خونریزی‌ها از سطح فعلی نیز بیشتر خواهد شد.

زمانی که براساس توافقنامه‌ی دوحه، مذاکرات بین‌الافغانی آغاز شد، انتظار می‌رفت تا موعده خروج نیروهای خارجی از افغانستان، این مذاکرات به پیشرفت‌های چشمگیر دست یافته و روند سیاسی برای حل منازعه‌ی افغانستان به مراحل باثبات و قابل اعتمادی برسد. طالبان اما از حضور در میز مذاکرات بین‌الافغانی ظفره می‌رفتند یا سعی می‌کردند هرچقدر که ممکن است، وقت‌کشی کنند. طالبان از طرف مردم و دولت افغانستان و برخی جناح‌های دخیل در روند صلح کشور متهم می‌شدند که این گروه نیت و اراده‌ای برای صلح ندارند. طالبان اما خارج نشدن نیروهای خارجی از افغانستان به موجب مفاد توافقنامه‌ی دوحه را دلیل عدم حضور جدی‌شان در مذاکرات بین‌الافغانی می‌خواندند.

به محض اعلام رسمی آغاز خروج بی‌قید و شرط نیروهای خارجی از افغانستان، طالبان موج حملات‌شان برای تسخیر قلمروهای بیشتر و تحت فشار قرار دادن حکومت افغانستان را آغاز کردند. در یک موج سنگین حملات، طالبان موفق شدند در طول نزدیک به دو ماه، بیش از صد ولسوالی را تصرف کنند. حملات طالبان در عمل ثابت کرد که این گروه همزمان با فعالیت در دفتر سیاسی‌شان در دوحه، همچنان گزینه‌ی نظامی را به‌عنوان اولویت اول روی میز دارند. پیش از عید، هیأتی عالی‌رتبه و باصلاحیت از طرف حکومت و جناح‌های سیاسی کشور برای مذاکره با طالبان به دوحه رفتند. از فہوای مواضع و سخنان برخی از نخبگان سیاسی در کابل، چنین برداشت می‌شد که دیدار این هیأت با اعضای دفتر سیاسی طالبان یکی از آخرین شانس‌ها و فرصت‌ها برای زنده نگه‌داشتن روند دوحه است و اگر این مذاکرات به دست‌آورد‌های چشمگیری نرسد، افغانستان وارد جنگ‌های خونین و دشواری خواهد شد.

طالبان در مذاکره با هیأت عالی‌رتبه‌ی دولت افغانستان، باز هم انعطاف خاصی نشان ندادند. حاصل این سفر که انتظار می‌رفت چرخ به گل نشسته‌ی مذاکرات بین‌الافغانی را آزاد و پیشرفت آن را تسریع کند، چیزی جز چند بند تعارفات سیاسی و توافق بر سر دوام مذاکرات نبود.

رئیس‌جمهور غنی در پیام عیدی‌اش به تلویح گفت در شش ماه آینده، سرنوشت جنگ افغانستان تعیین و نیروهای امنیتی بر طالبان غالب خواهد شد. در دو ماه گذشته، افغانستان خشونت‌های خونبار و طاقت‌فرسایی را پشت سر گذاشت. هزاران نفر از نیروهای امنیتی ملی، جنگجویان طالبان و مردم ملکی، کشته و مجروح شدند و ده‌ها هزار خانواده آواره. به نظر می‌رسد سطح شدت و رقت‌بارتری از خشونت و خونریزی در ماه‌های پیشرو بر کشور تحمیل خواهد شد.

مسئول خونریزی جاری و شدت گرفتن آن در هفته‌ها و ماه‌های آینده، طالبان است. این گروه چند بار، فرصت‌های کافی، انعطاف‌پذیری قابل قبول و تحمل و صبر حکومت و مردم افغانستان برای مذاکره، توافق سیاسی و برقراری صلح و آشتی را مجاله کرده و بر حملات‌شان ادامه دادند. اکنون نیز، این گروه به جای باور به یک راه‌حل سیاسی برای منازعه‌ی جاری، به تسلیم‌شدن حکومت و مردم افغانستان و «فتح کشور» فکر و برای تحقق آن برنامه‌ریزی می‌کند. طالبان باید بدانند که تمام مسئولیت‌های حقوقی و سیاسی شدت گرفتن جنگ و ریخته‌شدن خون‌های بیشتر بر عهده‌ی این گروه خواهد بود.

اطلاعات روز: وزارت دفاع ایالات متحده‌ی آمریکا (پنتاگون) تأیید کرده است که نیروهای این کشور در چند روز پیش مواضع طالبان را در بخش‌های مختلف ولایت قندهار در جنوب افغانستان هدف حملات هوایی قرار داده‌اند.

جان اف کربی، سخنگوی پنتاگون دو روز پیش (پنج‌شنبه، ۳۱ سرطان) در یک نشست خبری گفته است که حملات هوایی نیروهای امریکایی در حمایت از نیروهای امنیتی و دفاعی افغان صورت گرفته است. کربی جزئیات بیشتر در این مورد ارایه نکرده، اما گفته است که ایالات متحده همچنین قادر به انجام حملات هوایی در حمایت از نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان است.

به‌گفته‌ی او، جنرال فرانک کنت مک‌کنزی،

فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی امریکا (سنتکام) مسئولیت و صلاحیت انجام این حملات را دارد. مک‌کنزی به تازگی فرماندهی نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان را به عهده گرفته است. طبق برخی گزارش‌ها، حملات هوایی نیروهای امریکایی به‌منظور جلوگیری از سقوط شهر قندهار به‌دست طالبان انجام شده است. وزارت دفاع امریکا این گزارش‌ها را به‌طور رسمی تأیید نکرده است. مقام‌های افغان نیز تا کنون در این باره چیزی نگفته‌اند.

گروه طالبان در اعلامیه‌ای، تأیید کرده است که نیروهای امریکایی مواضع این گروه را در ولایت‌های هلمند و قندهار بمباران کرده‌اند. ذبیح‌الله مجاهد، از سخنگویان طالبان گفته است که این حملات هوایی دو شب

سی‌ان‌ان: طالبان فردی را که به‌عنوان ترجمان نیروهای امریکایی کار کرده بود، سر بریده‌اند

به نقل از گزارش، پردیس قیل از وقوع رویداد به یک دوست خود گفته بود که از سوی طالبان تهدید به مرگ شده است؛ زیرا طالبان دریافته‌اند که او [پردیس] مدت ۱۶ ماه به عنوان ترجمان نیروهای امریکایی کار کرده است. کار پردیس با نیروهای امریکایی در سال ۲۰۱۲ میلادی پایان یافته بود.

عبدالحق ایوبی، دوست و همکار پردیس به «سی‌ان‌ان» گفته است: «آنان [طالبان] به او [پردیس] می‌گفتند که تو جاسوس امریکایی‌ها هستی، تو چشم امریکایی‌ها هستی و کافر هستی و ما تو و خانواده‌ات را خواهیم کشت.»

طبق گزارش «سی‌ان‌ان»، از سهیل پردیس یک دختر نه ساله به جا مانده است و نجیب‌الله سهاک، برادر پردیس از دختر او سرپرستی می‌کند. سهاک به «سی‌ان‌ان» گفته است از ترس این‌که هدف بعدی طالبان قرار نگیرند، به کابل نقل مکان کرده‌اند.

پیش انجام شده است که در نتیجه‌ی آن به غیرنظامیان و جنگ‌جویان این گروه تلفات وارد شده است.

طالبان حملات هوایی نیروهای امریکایی را سرپیچی از توافق‌نامه‌ی دوحه دانسته و نسبت به عواقب آن هشدار داده‌اند. حملات هوایی نیروهای امریکایی در برابر طالبان در ولایت قندهار درحالی انجام شده است که چندی پیش ولسوالی اسپین‌بولدک این ولایت به‌دست طالبان سقوط کرد. با سقوط این ولسوالی، شهرک مرزی اسپین‌بولدک و گذرگاه مرزی با پاکستان نیز به‌دست طالبان افتاد.

پیشتر امرالله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری گفته بود که ارتش پاکستان رسماً به افغانستان هشدار داده است که هرگونه تلاش نظامی برای تصرف

مقام‌های محلی افغان تا کنون در این باره چیزی نگفته‌اند.

گروه طالبان در تاریخ ۱۷ جوزای سال جاری در اعلامیه‌ای گفته بود که هیچ تهدید از سوی این گروه متوجه مترجمان نیروهای خارجی نیست و آنان می‌توانند بدون ترس به زندگی عادی‌شان برگردند.

با این حال، یک سخنگوی گروه طالبان به «سی‌ان‌ان» گفته است که آنان در تلاشند تا جزئیات این رویداد را تأیید کنند، اما در عین حال افزوده است که برخی از حوادث آن‌گونه نیستند که تصور می‌شود.

شماری از مترجمان نیروهای امریکایی به «سی‌ان‌ان» گفته‌اند که با خروج امریکا و افزایش حملات انتقام‌جویانه‌ی طالبان، زندگی آنان در معرض تهدید قرار دارد.

عبدالحق ایوبی گفته است: «ما نمی‌توانیم در این‌جا نفس بکشیم.

مجلس نمایندگان امریکا طرح افزایش صدور ویزا برای همکاران افغان نیروهای امریکایی را تصویب کرد

داده‌اند که نیمی از این درخواست‌ها در مراحل مقدماتی بررسی و طی مراحل قرار دارد. روند صدور ویزا برای این افراد که به‌خاطر جلوگیری از شیوع کرونا متوقف شده بود، حدود ده روز پیش از سر گرفته شد.

سفارت امریکا در کابل پیشتر اعلام کرده بود که روند خروج کارمندان محلی نیروهای امریکایی در افغانستان را آغاز می‌کند. این سفارت گفته بود که این روند برای افرادی که درخواست‌های ویزای ویژه‌ی مهاجرت‌شان از قبل طی مراحل شده است، در جریان هفته‌ی اخیر ماه جولای آغاز می‌شود.

از سوی هم، مقام‌های امریکایی گفته‌اند که از سال ۲۰۰۸ میلادی تا کنون، در حدود ۷۰ هزار شهروند افغانستان از طریق برنامه‌ی ویزای ویژه به امریکا مهاجرت کرده‌اند.

او از جنگ ویتنام یاد کرده و گفته است که پس از خروج نیروهای امریکایی از آن کشور، شمار زیادی از شهروندان ویتنام که با امریکایی‌ها کار کرده بودند، بازداشت و حتا کشته شدند.

نیل دن گفته است: «ما نمی‌توانیم دوباره این کار را انجام دهیم. دیگر نباید این کار را انجام دهیم. ما باید تمام کسانی را که در مبارزه برای ما بسیار مهم بودند، برگردانیم.» او همچنین خطاب به دیگر قانون‌گذاران گفته است که به این طرح رأی بدهند: «لطفاً بار دیگر دوستان امریکا را رها نکنید.»

براساس آمارها، تا کنون ۲۶ هزار و ۵۰۰ ویزای ویژه به همکاران محلی نیروهای امریکایی اختصاص داده شده است. مقام‌های امریکایی گفته‌اند که حدود ۲۰ هزار شهروند افغان برای ویزای ویژه‌ی مهاجرت به امریکا درخواست

این طرح رأی موافق و تنها ۱۶ نماینده‌ی دیگر رأی مخالف داده‌اند. این طرح قرار است جهت تصویب نهایی به مجلس سنای کانگرس امریکا فرستاده شود.

همزمان با خروج نیروهای امریکایی از افغانستان و افزایش حملات طالبان، انتقام‌جویی طالبان از افرادی که در طول ۲۰ سال گذشته با این نیروها کار کرده‌اند، به یک نگرانی کلان مبدل شده است.

شمار زیادی از نمایندگان مجلس امریکا نیز در این مورد ابراز نگرانی کرده و گفته‌اند که گروه طالبان به دنبال انتقام‌جویی از کسانی خواهد بود که در دو دهه‌ی گذشته با نیروهای امریکایی کار کرده‌اند.

نیل دن، نماینده‌ی جمهوری‌خواه و نظامی پیشین امریکایی در جنگ ویتنام یکی از نمایندگانی است که خواستار خروج همکاران محلی نیروهای امریکایی و خانواده‌های‌شان از افغانستان شده است.

اطلاعات روز: براساس طرحی که به تازگی از سوی مجلس نمایندگان ایالات متحده‌ی امریکا به تصویب رسیده است، هشت‌هزار شهروند دیگر افغانستان به شمار افرادی که قرار است ویزای ویژه‌ی مهاجرت امریکا را دریافت کنند، افزوده می‌شود.

این تعداد افراد شامل مترجمان و کارمندان محلی نیروهای امریکایی در افغانستان می‌شوند. خانواده‌های افرادی که در زمان همکاری با نیروهای امریکایی در افغانستان، جان‌شان را از دست داده‌اند، نیز از این طرح بهره‌مند خواهند شد.

این طرح دو روز پیش (پنج‌شنبه، ۳۱ سرطان) با حمایت اکثریت اعضای مجلس نمایندگان امریکا به تصویب رسیده است. تسریع و تسهیل روند صدور ویزای مهاجرت به همکاران محلی نیروهای امریکایی از اهداف تصویب این طرح گفته شده است.

۴۰۷ نماینده مجلس امریکا به تصویب

نظامیان دولتی ولسوالی کرخ هرات را از طالبان پس گرفتند

استقامت شرق شهر هرات به سوی ولسوالی کرخ آغاز شده است. به نقل از اعلامیه، در جریان این عملیات به جنگ‌جویان گروه طالبان در ساحه‌ی «جغندک» تلفات وارد شده است. براساس آمار ابتدایی دفتر والی هرات، ۱۵ جنگ‌جوی طالب در این عملیات کشته و ۲۰ طالب دیگر زخمی شده‌اند.

در اعلامیه آمده است که به نیروهای امنیتی و دفاعی شامل عملیات هیچ آسیبی نرسیده است و عملیات به‌خاطر جلوگیری

از تلفات غیرنظامیان با نهایت دقت انجام شده است.

گروه طالبان تا کنون در این باره چیزی نگفته است.

ولایت هرات در غرب افغانستان موقعیت دارد. بیشتر ولسوالی‌های این ولایت در هفته‌های گذشته به‌دست طالبان سقوط کرده بود.



فرزین ندیمی، انستیتوت واشنگتن
مترجم: جلیل پژواک

به نظر می‌رسد وخیم‌تر شدن وضعیت امنیتی افغانستان و سقوط سربالی ولسوالی‌های این کشور به‌دست گروه طالبان، رهبری ایران را نگران کرده است. با وجود این امکان دارد جمهوری اسلامی تحولات اخیر در افغانستان را فرصتی برای گسترش نفوذ منطقه‌ای تهران و کسب امتیاز در برابر ایالات متحده ببیند. وزارت امور خارجه ایران در ۷ و ۸ جولای میزبان هیئت‌های حکومت افغانستان و گروه طالبان در تهران بود تا ضمن ابراز نگرانی‌های امنیتی خود برای این دو هیئت، خلأ دیپلماتیک به میان آمده ناشی از خروج نیروهای امریکایی را در افغانستان به سرعت پر کند.

تهران علاوه بر تلاش‌های دیپلماتیک، آرایش نظامی خود را در امتداد مرزهای افغانستان تقویت کرده است. تصاویری که اخیراً در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، واحدهای ارتش ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در حال انتقال تجهیزات نظامی - از جمله تانک، نفربر زرهی، سامانه‌های نظارتی و منابع حمایتی - به مناطق مرزی نشان می‌دهد. علاوه بر این، گزارش شده که نیروی هوایی ایران تعدادی از جنگنده‌های خود را که در پایگاه‌های ارتش در شرق کشور مستقر است، در حالت آماده‌باش سطح بالا قرار داده است. گرچه ارتش ایران از سال ۲۰۱۸ بدینسو «مسئولیت دفاعی» مرز ۹۴۵ کیلومتری با افغانستان را به عهده داشته است، اما حالا امکان دارد تهران «گزینه‌های تهاجمی» خود را در این منطقه به بررسی گیرد. در چنین وضعیت، هرگونه کارزار نظامی کلان ارتش ایران در خاک افغانستان توسط واحدهای مجهزتر سپاه رهبری خواهد شد و پشتیبانی عناصر نیروی قدس - که گفته می‌شود از قبل در خاک افغانستان فعالیت می‌کنند - برخوردار خواهد بود.

تاریخچه پیچیده ایران در افغانستان

فعالیت‌های ایران در افغانستان همواره در هاله‌ای از ابهامات قرار داشته است. ایران گاهی به عنوان متحد ائتلاف نیروهای بین‌المللی برای مهار طالبان در افغانستان ظاهر شده و گاهی مخالف حضور این ائتلاف بوده است. ایالات متحده و حکومت افغانستان (در کنار برخی بازیگران دیگر) نیروی قدس را متهم کرده‌اند که در راستای استراتژی کلان‌تر ایران برای بیرون راندن امریکا از منطقه به طور کامل، طالبان را به تحمیل تلفات جانی و خسارات مادی بیشتر بر نیروهای ائتلاف و مجبور کردن امریکا به خروج از افغانستان ترغیب می‌کند.

چنین هدفی تهران را ملزم کرده است بازی پیچیده‌ای را در مرزهایش روی دست گیرد؛ ایران از یک سو با طالبان در برابر امریکا همکاری کرده است و از سوی دیگر به عنوان نیروی بازدارنده در برابر این گروه به ویژه در ولایات هرات، فراه و نیمروز عمل کرده است. نیروی قدس از یک سو احتمالاً زمینه همکاری بالقوه با طالبان را روی مسائلی چون تغییر حاکمیت محلی و آسیب‌رساندن به منافع ایالات متحده در افغانستان بررسی کرده است و از سوی دیگر پرسنل نیروی قدس مأموریت داشته که برای جلوگیری از تکرار مواردی مانند حادثه ۱۹۹۸ مزارشریف، اختلافات و دودسته‌گی‌ها درون واحدهای

طالبان را مدیریت کنند.

در ۲۷ جنوری امسال علی شمخانی رییس شورای عالی امنیت ملی ایران با ملا عبدالغنی برادر، رییس هیئت دیپلماتیک طالبان که از دفتر خود در قطر به تهران سفر کرده بود، ملاقات کرد. هرچند شمخانی گروه طالبان را به خاطر مقاومت در برابر ایالات متحده تمجید کرد، اما همچنین خاطر نشان کرد که تهران هر جناح افغان را که بخواهد به زور قدرت را در افغانستان به دست گیرد به رسمیت نمی‌شناسد. ملا برادر برای رفع این نگرانی تهران پیشنهاد کمک به ایران در تأمین امنیت مرزها با افغانستان را داد. جواد ظریف، دیگر شرکت‌کننده‌ی جلسه ماه جنوری با طالبان، حمایت خود را از یک «حکومت اسلامی» فراگیر در کابل که تمام اقوام و مذاهب را در بر گیرد، ابراز داشت.

رهبران ایران در واقع به دنبال محافظت از جوامع شیعه افغانستان (و در ادامه، کنترل آن‌ها) هستند، مخصوصاً حالا که ولسوالی‌های عمدتاً شیعه‌نشین در تیررس گروه طالبان قرار گرفته است. با این‌که سنخش دقیق داده‌های مرتبط به جوامع و مذاهب افغانستان دشوار است اما برآورد می‌شود که ۱۵ تا ۲۹ درصد مردم این کشور شیعه هستند. شیعیان افغانستان اکثراً شیعه دوازده امامی هستند که در جمهوری اسلامی فرقه مسلط است و در کنار آن برخی از شیعیان اسماعیلی نیز در این کشور زندگی می‌کنند. نقشه‌های مردم‌شناسی افغانستان نشان می‌دهد که شیعیان این کشور بیشتر در مناطق مرکزی و به صورت پراکنده در مناطق شمالی، غربی (به ویژه هرات) و جنوب غربی زندگی می‌کنند.

با توجه به این واقعیت که ایران و طالبان در گذشته قریب وارد جنگ شده بودند، احتمال تنش و برخورد بین دو طرف را نمی‌توان به کلی کنار گذاشت. در سال ۱۹۹۸ جنگ‌جویان طالبان هشت تن از نیروهای سپاه قدس و یک خبرنگار ایرانی را در کنسول‌گری ایران در شهر مزارشریف به قتل رساندند. این اقدام تهران را به سمت آرایش نظامی تلافی‌جویانه در مرز سوق داد اما جنگ در نگرفت. بر طبق نقشه‌ای که قاسم سلیمانی، فرمانده پیشین سپاه قدس با همکاری اتحاد شمال افغانستان ریخته بودند، قرار بود نیروهای ایرانی هرات را تصرف کنند و منابع و جنگ‌جویان طالبان را به آن‌جا بکشند و با این کار به اتحاد شمال امکان دهند تا کابل را از چنگ طالبان بقاید و سپس به نیروهای ایرانی در هرات بپیوندند. گزارش شد که رهبر ایران، علی خامنه‌ای، در آن‌زمان به سلیمانی ۴۸ ساعت برای رسیدن به این هدف وقت داده بود و قرار بود پس از آن ۴۸ ساعت نیروهای ایرانی به سرعت از خاک افغانستان عقب‌نشینی کنند. اما سرانجام این عملیات به دلایل مختلف از جمله تشویش‌های لجستیکی و سیاسی لغو شد.

اهداف و سناریوهای فعلی ایران

به نظر می‌رسد در حال حاضر تهران در حال بررسی سه سناریو برای جلوگیری از خطرناک شدن بی‌ثباتی افغانستان برای ایران و پیشبرد منافع ایران در این کشور است: گزینه اول تهران پشتیبانی پنهانی یا آشکار از به قدرت رسیدن طالبان و در ضمن آن، دستیابی به توافق‌های تاکتیکی و استراتژیک با این گروه برای محدود کردن فعالیت‌هایش درون مرزهای افغانستان است. گزینه دوم تهران آغاز جنگ نیابتی علیه گروه طالبان

توجه ایران به افغانستان معطوف شده است



می‌تواند به عناصر تندروتر سنی در افغانستان دست بازتری برای اقدام علیه ایران دهد. مهم‌ترین این عناصر جناح‌های سلفی هستند که امکان دارد با به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان آشکارا و با دست باز به جوامع شیعه حمله کنند و باعث مهاجرت شیعیان به ایران شوند. با این وجود، احتمال این وجود دارد که مقامات ایرانی و طالبان تصمیم بگیرند با حفظ وضعیت موجود و ادامه همکاری در سطح تاکتیکی، این نگرانی را محدود کنند. دو، راه‌اندازی جنگ نیابتی: تهران می‌تواند با تکیه بر تجربه خود در عراق و سوریه از عناصر شبه‌نظامی برای جلوگیری از تسلط کامل طالبان بر افغانستان استفاده کند. تهران از قبل یک سلاح مؤثر برای این سناریو در اختیار دارد. آن سلاح لشکر با تجربه‌ی فاطمیون است؛ نیروی شبه‌نظامی متشکل از جنگ‌جویان افغان که از ابتدای سال ۲۰۱۲ توسط سپاه قدس برای جنگ در سوریه استخدام شدند، آموزش دیدند و مجهز شدند. البته با سازمان‌دهی و آموزش هزاران نفر از مردم محلی که دربر دنیال شغل ولو از هر نوعی هستند، می‌توان گروه‌های شبه‌نظامی دیگری نیز در داخل افغانستان تشکیل داد. چنین گروه‌ها احتمالاً تحت فرماندهی پیش‌کسوتان لشکر فاطمیون، افسران نیروی قدس و جنگ‌سالاران اتحاد شمال قرار می‌گیرند.

سه، مداخله مستقیم: اگر هدف ایران حمایت از حکومت مرکزی افغانستان، بازکردن چتر

در افغانستان است. گزینه سوم تهران مداخله مستقیم در افغانستان است. یک، حمایت از به قدرت رسیدن طالبان: بسیاری رهبران ایران کنترل طالبان بر افغانستان را به عنوان تنها گزینه سیاسی عملی یا حداقل تنها گزینه برای داشتن یک دولت اسلامی در همسایگی خود می‌دانند. این نگرش ممکن است توضیح دهد که چرا فاطمیون سر در می‌آورد. طی سال‌های پسین بسیاری از سلاح‌های ایرانی از نزد طالبان به دست آمده است و گرچه این امکان وجود دارد که تهران این سلاح‌ها را مستقیماً در اختیار طالبان قرار نداده باشد، اما دست‌کم در برخی از این سلاح‌ها (برای مثال «پرتابه‌های شکل‌یافته انفجاری» که طالبان آن‌را «ژدها» می‌نامند) نوعی شباهت با سلاح‌های یافت‌شده از نزد گروه‌های شیعه در عراق طی شورش سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱، به چشم می‌آید.

تهران مقاومت طالبان را تمجید می‌کند و دو طرف به رغم اختلاف ایدئولوژیک اشتراکات زیادی با هم دارند، از جمله دیدگاه رادیکال تهران و طالبان و خصومت شان با ایالات متحده. این اشتراکات می‌تواند راه را برای همکاری‌های استراتژیک آینده بین تهران و طالبان هموار کند، البته به شرطی که طالبان مایل به ارائه ضمانت‌های معتبر به تهران مبنی بر حفاظت از منافع شیعه افغانستان باشند.

تهران می‌ترسد که اگر این تفاهم به وجود نیاید تسلط کامل طالبان در افغانستان

محافظتی بر روی سر جمعیت شیعه افغانستان و یا حفظ وضع موجود از طریق جلوگیری از پیروزی کامل طالبان در افغانستان باشد، تهران ممکن است دست به اقدام نظامی مستقیم‌تری ببرد. برای مثال تهران می‌تواند عملیاتی را با هدف تصرف سریع مرکز ولایت هرات که سنگر سنتی برای ایران تلقی می‌شود، راه‌اندازی کند. با این‌حال چنین اقدامی در نهایت می‌تواند برای تهران بسیار پرهزینه تمام شود. زیرا اقدام نظامی نیازمند حضور نظامی قابل توجه ایران در افغانستان و اتکا به زنجیره‌های طولانی و آسیب‌پذیر تأمین این نیروها است. در این سناریو، رژیم ایران به احتمال زیاد تلاش می‌کند تا در سمت افغانستان مرز یک منطقه حائل ایجاد کند و احتمالاً با استفاده از واحدهای فاطمیون که از پشتیبانی توپ‌خانه سپاه، هواپیماهای بدون سرنشین ایران، مهمات سنگین و موشک‌های نقطه‌زن برخوردار خواهند بود، گذرگاه‌های زمینی را به سمت مناطق شیعه‌نشین ایجاد کند.

نتیجه‌گیری

تحركات نظامی اخیر ایران در مرزها با افغانستان ممکن است صرفاً یک اقدام پیش‌گیرانه دفاعی باشد. در غیر آن، امکان دارد مقدمه‌چینی برای یک تهاجم مرزی باشد. همچنین، باید این احتمال را که تهران امکان دارد به دنبال «سوریه‌سازی» یا «عراق‌سازی» افغانستان احتمالاً با استفاده از عناصر نیابتی برای ایجاد لانه امن شیعه در ولایت هرات و مناطق دیگر افغانستان باشد، به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. چنین استراتژی می‌تواند با گذشت زمان به ظهور یک نیروی نظامی قدرت‌مند و متکی به ایران در سطح نیروهای امنیتی افغانستان منجر شود؛ دقیقاً مانند آنچه که در مورد حشدالشعبی عراق اتفاق افتاده است. بنابراین، هرگونه انتقال و تحركات نیروهای فاطمیون از سوریه به افغانستان باید از نزدیک و به دقت نظارت شود.

مطمئناً تلاش برای گسترش نفوذ ایران در افغانستان می‌تواند پول و منابع تهران را از سایر عملیات‌های رژیم ایران در منطقه به سمت افغانستان بکشد. ولی به هرحال این تلاش در خدمت هدف استراتژیک تهران برای تبدیل شدن به هم‌زمن منطقه‌ای قرار خواهد گرفت.

در خصوص احتمال حمله ایران به مواضع امریکا می‌توان گفت که عناصر ایرانی امکان دارد از هرج و مرج در افغانستان با راه‌اندازی یا تمویل عملیات‌های نظامی علیه سفارت امریکا یا دیپلمات‌های امریکایی در کابل یا جاهای دیگر استفاده کنند. قتل‌عام ۲۲ کماندوی ارتش افغانستان - که توسط ایالات متحده آموزش دیده بودند - در ولایت فاریاب در ۱۳ جولای، نیز حکومت افغانستان را به حمایت نظامی مستقیم ایالات متحده برجسته کرد. مشخصاً یک کارزار هوایی مداوم با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین از پایگاه‌های فرماندهی مرکزی ایالات متحده می‌تواند به ارتش افغانستان کمک کند جنگ‌جویان طالبان را در سراسر کشور عقب براند و تضعیف کند.

فرزین ندیمی، همکار انستیتوت واشنگتن، متخصص امور امنیتی و دفاعی ایران و منطقه خلیج فارس است.

خبر داخلی

سخن‌گوی طالبان: قبل از آتش‌بس باید در مورد دولت جدید قابل قبول توافق شود

اداره ارتباطات عامه و استراتژیک ریاست‌جمهوری به اظهارات سهیل شاهین پاسخ داده است. آقای عمر در توییتی، گفته است که تأکید دولت افغانستان بر قطع کشتار افغان‌ها پیش از هر نوع بحث جدی است. به‌گفته‌ی عمر، اولین چیزی که مردم افغانستان می‌خواهند قطع وحشت کنونی است. او خطاب به گروه طالبان نوشته است: «شما جنگ را قطع کنید، به میز مذاکره برگردید تا تمام موارد را بحث کنیم. تغییر حکومت آسان‌ترین بخش کار است، مردم در یک روز رأی می‌دهند و حکومت نو را تعیین می‌کنند.» طالبان پیش از این نیز خواستار کناره‌گیری اشرف غنی از قدرت شده بودند، اما در مقابل، رییس‌جمهور غنی بر انتقال قدرت از راه انتخابات تأکید کرده و حتماً انتخابات زودهنگام را نیز پیشنهاد کرده است.

به‌گفته‌ی او، زنان برای ترک خانه ملزم به داشتن یک مرد محرم نخواهند بود و فرماندهان طالبان در مناطق تازه تصرف شده اجازه داده‌اند که دانشگاه‌ها، مکاتب و بازارها مانند گذشته با حضور زنان و دختران فعالیت کنند.

این عضو هیأت مذاکره‌کننده‌ی گروه طالبان به اسوشیتدپرس گفته است که هیچ برنامه‌ای برای اعمال فشار نظامی بر کابل ندارند و برای تصرف مراکز ولایات نیز تا کنون اقدام نکرده‌اند.

با این حال، سهیل شاهین گفته است که بیشتر ولسوالی‌ها در نتیجه‌ی جنگ نه، بلکه از راه مذاکره به تصرف طالبان درآمده است. او تأکید کرده است که تصرف ۱۹۴ ولسوالی در مدت هشت هفته از راهی غیر از مذاکره برای‌شان بسیار سخت بود.

در همین حال، وحید عمر، مشاور رییس‌جمهور و رییس

انحصار قدرت در افغانستان بوده، دولتی موفق نبوده است. ما نمی‌خواهیم آن فرمول را تکرار کنیم.»

سخن‌گوی طالبان با اشاره به مذاکرات سطح بلند چند روز پیش میان این گروه و نمایندگان جمهوری اسلامی افغانستان در دوحه، گفته است که خواسته‌های مکرر دولت برای آتش‌بس درحالی که غنی در قدرت باقی است، برابر با تسلیمی طالبان است: «آنان سازش نمی‌خواهند، اما می‌خواهند تسلیم شویم.»

سهیل شاهین تأکید کرده است که قبل از هر گونه آتش‌بس، باید توافق نامهای در مورد دولت جدید مورد قبول طالبان و سایر افغان‌ها وجود داشته باشد.

شاهین افزوده است که در دولت جدید زنان اجازه‌ی کار، مکتب رفتن و مشارکت در سیاست را دارند، اما مجبورند حجاب یا روسری بپوشند.

اطلاعات روز: محمدسهیل شاهین، سخن‌گو و عضو هیأت مذاکره‌کننده‌ی صلح گروه طالبان گفته است که این گروه به دنبال انحصار قدرت نیست، اما تا زمانی که محمداشرف غنی از قدرت کنار نرود و دولت جدیدی در نتیجه‌ی مذاکره تشکیل نشود، صلح در افغانستان برقرار نخواهد شد.

شاهین این اظهارات را در مصاحبه با خبرگزاری اسوشیتدپرس مطرح کرده است. شاهین در این مصاحبه که دیروز (جمعه، ۱ اسد) منتشر شده، گفته است که طالبان سلاح‌های خود را زمانی به زمین خواهند گذاشت که یک دولت جدید قابل قبول برای همه از راه مذاکره به میان آید.

او گفته است: «من می‌خواهم روشن کنم که ما به انحصار قدرت باور نداریم؛ زیرا هر دولتی که در گذشته در صدد



»

به باور نویسنده در مذاکرات محرمانه و نیمه‌محرمانه دو سال اخیر بین حلقه‌های فاسد و مافیایی ارگ، سیاستمداران غیرانتخابی منسوب به اقوام، طالبان و امریکا (و سایر قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی) بر سر آینده، سناریوهای احتمالی اصلی طراحی و چیده شده است.

»

تاریخی دارد.

مردم افغانستان به‌شمول تقریباً همه‌ی اقوام و اقشار از جریان مذاکرات صلح بین بازیگران عمده‌ی صحنه سیاست کاملاً دور نگه داشته شده‌اند. کسانی هم که ادعای نمایندگی از اقشار مختلف مردم را یدک می‌کشند (از جمله رهبران احزاب منسوب به اقوام) صرفاً به‌صورت سمبولیک و بدون گذراندن هر گونه فرایند کسب مشروعیت و انتخاب‌شدن توسط مردم، گاه‌گذاری برای نمایش صوری همه‌شمول بودن مذاکرات در آن راه داده می‌شوند. از سوی دیگر زمزمه‌ها و شایعات فراوانی درباره ضمایم محرمانه مذاکرات و... وجود دارد.

به باور نویسنده در مذاکرات محرمانه و نیمه‌محرمانه دو سال اخیر، بین حلقه‌های فاسد و مافیایی ارگ، سیاستمداران غیرانتخابی منسوب به اقوام، طالبان و امریکا (و سایر قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی) بر سر آینده، سناریوهای احتمالی اصلی طراحی و چیده شده

است. از سوی دیگر تحولات سیاسی - نظامی بی‌سابقه‌ای رخ داده است از جمله «عقب‌نشینی تاکتیکی» نیروهای نظامی از حدود حداقل ۸۰ ولسوالی با تمام امکانات نظامی به نفع طالبان، متفعل و تدافعی نگه داشتن ارتش و نیروی نظامی در مقابله با طالبان، زمزمه آزادی هزاران زندانی دیگر طالبان، نفاق‌افکنی بین مردم در مناطق مشهور به مخالفت با طالبان همانند دایکندی، غزنی، فاریاب و...، تحرکات شدید دیپلماتیک منطقه‌ای طالبان در کنار انفعال دیپلماتیک ارگ. این تحولات در واقع آخرین وزن‌کشی‌ها و چانه‌زنی‌ها بر سر انتخاب سناریوی اصلی و همین‌طور آزمایش زمینه اجتماعی اجرای آن سناریوها می‌باشد. این‌که از نظر من، سناریوهای احتمالی چه هستند به قسمت دوم این نوشته موقوف می‌کنم تا خوانندگان نیز فرصتی داشته باشند به آن بپردازند.

با آنچه گفته شد واضح است که شرایط

فعلی تا چه میزان شبیه همان شرایط تاریخی برای تمام مردم افغانستان به‌خصوص اقوام منتسب به ضدیت و مخالفت با طالبان است. به عبارت دیگر، لحظه‌ی سرنوشت فرا رسیده است. مردم حامی نظام سیاسی جدید از تمام اقوام و اقشار در طول ۲۰ سال اخیر در خواب غفلت و رخوت به‌سر برده و با بی‌درایتی و بی‌کفایتی محض تیکه‌داران‌شان مشغول حاشیه‌ها و گدایی‌کردن حقوق‌شان از ارگ مافیایی شدند. بخشی از این غفلت به‌دلیل ضعف سرمایه اجتماعی ناشی از دهه‌های طولانی جنگ و بی‌ثباتی و همین‌طور اعتماد ناپجا به سران احزاب قومی بوده است و بخشی دیگر حاصل ساختار معیوب و ناقص سیاسی متولدشده از اجلاس بن در ترکیب با منبع بی‌حساب و کتاب و در ظاهر بی‌پایان پول‌های خارجی است. ترکیب این شرایط باعث به‌وجود آمدن عوارضی شد که در اقتصاد سیاسی به «نفرین منابع» یا «بیماری

فرا رسیدن لحظه‌ی سرنوشت (۱)

صابر جعفری

تحولات یک سال اخیر، شباهت عجیبی به یک برهه‌ی تاریخی بسیار مهم و نه‌چندان دور دارد. تا قبل از خروج نیروهای شوروی، مردم هزاره بعد از بیرون کردن ادارات دولتی کمونیستی از مناطق‌شان، در قالب احزاب محلی هفت‌گانه مشغول رقابت و جنگ داخلی با یکدیگر بر سر قول و قریه شدند و حتا برای پیروزی علیه همدیگر، دعای کمیل و توسل و عاشورا ... می‌خواندند.

با خروج نیروهای شوروی، مسلم شد که دولت خلقی کابل به پایان عمرش نزدیک است. بنابراین احزاب هشت‌گانه پیشاورنشین که به استثنای سران تاجیک جمعیت اسلامی عمدتاً پشتون‌تبار بودند، بدون هیچ توجهی به مردم هزاره و اوزبیک در بین خود جلسات و مذاکرات را شروع کردند تا برای دولت بعد از نجیب و تقسیم قدرت تصمیم بگیرند. نتایج نیمه‌محرمانه این مذاکرات حاکی از آن بود که مردم هزاره و اوزبیک در ساختار قدرت آینده نادیده انگاشته شده‌اند.

اینجا بود که برخی از رهبران احزاب محلی مردم هزاره به‌شمول بابه مزاری تکان خوردند و شوک تحولات جدید، برای لحظه‌ای آن‌ها را از خواب غفلت بیدار کرد. آنان متوجه شدند که درک‌شان تا آن موقع از روند تحولات و وضعیت افغانستان چقدر دور از واقعیت بوده و چه خطری تمام مردم هزاره را تهدید می‌کند. بنابراین اکثر رهبران و نخبگان سیاسی آن روز مردم هزاره تلاش‌های فراوان و سریعی نمودند تا مردم هزاره دست از اختلافات بپوش و مضحک قول و قریه‌های بین خود بردارند

و با انحلال تشکیلات کوچک و محلی‌شان مانند نصر، سپاه، شورای اتفاق و... بنیان تشکیل حزب وحدت اسلامی را گذاردند. با تشکیل حزب وحدت، سمت و سوی تحولات به جهت کاملاً متفاوت پیش رفت. تلاش رهبران حزب وحدت برای برقراری ارتباط و هماهنگی با نخبگان سیاسی و نظامی اوزبیک و کمک به تشکیل جنبش ملی اسلامی در شمال افغانستان و سپس برقراری گفت‌وگو و مذاکره با رهبران سیاسی و نظامی تاجیک حزب جمعیت اسلامی باعث شد تا ادبیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کاملاً متفاوتی نه‌تنها در بین مردم هزاره، بلکه در کل افغانستان شکل بگیرد که مهم‌ترین محورهای آن عبارت بود از نفی مناسبات ظالمانه و سلطه‌ی انحصارطلبانه رژیم‌های گذشته سیاسی در افغانستان، برابری‌خواهی و خواست مشارکت موثر (و نه نمادین) براساس شعاع نفوس هر قوم در ساختار قدرت سیاسی. اگر نیک بنگریم، هنوز هم همین منازعات در افغانستان درباره همین مطالبات اساسی است.

خردورزی و دوراندیشی به همراه فداکاری آن تعداد از نخبگان سیاسی آن روز مردم هزاره، باعث شد که روحیه و چشم‌انداز فکری تمام مردم هزاره تغییر کند و همگی (به‌رغم فقر و ضعف تاریخی در اقتصاد و سیاست و...) همجهت و همراستا در راستای منافع کلان برابری‌خواهانه بسیج شوند و با بسیج خود محور قدرتی انکارناپذیر به‌وجود بیاورند.

اکنون تحولات دو سال اخیر، مخصوصاً بعد از اعلان تاریخ قطعی خروج نیروهای امریکایی، شباهت نزدیکی با همان مقطع

»

جنرال یوسف در کتاب خود (دام خرس) می‌نویسد که پاکستان نقش اصلی را در براندازی دولت چپی [دکتر نجیب] افغانستان به‌دست مجاهدین که در پاکستان آموزش می‌دیدند و از آنجا تجهیز می‌شدند و حکومت مجاهدین [برهان‌الدین ربانی] به‌دست طالبان داشته است.

»

یا هم می‌مرد. علم تاریخ ورود جهان به مرحله تغییرات بزرگ، ناگهانی و شتابان را که مسیر تاریخ را عوض و تغییرات جدی در ساختارها اجتماعی ایجاد می‌کند، اما آنچه مراد ما از بحران در این نوشته است؛ بحران به معنا فرصت است.

نگرش‌ها در مورد بحران

در مورد بررسی مقوله بحران در ادبیات سیاسی و امنیتی چهار دسته نگرش کلی و عمومی وجود دارد. نخست، سنتی‌ها یا کلاسیک‌ها در مورد بحران نظر منفی دارند و مدیریت بحران در این نگرش اقدامات بعدی در راستای فرونشاندن و آرام کردن آشوب و شورش است. در نگرش کارزاران سیاسی منتظر بحران می‌ماند و تلاش می‌کند تا وضعیت را به حالت عادی برگرداند. دوم نگرش مدرن، از نظر مدرن‌ها بحران وضعیت نامطلوب و شرایط ناخوشایند است اما چاره‌ای جز مقابل‌شدن با بحران نیست. به بیان دیگر وقوع بحران امر اجتناب‌ناپذیر است و سیاست‌گذاران باید دنبال راهکار مواجهه با آن باشند. در این نگرش مدیریت بحران به مثابه بازگشت به وضعیت عادی و ثبات است.

سوم نگرش پست‌مدرن به مقوله بحران است. پست‌مدرن‌ها برخلاف مدرن‌ها و کلاسیک‌ها بحران را یک فرصت برای

علی سجاد مولایی

اشاره: این نوشته قسمت دوم از یک سلسله نوشته‌ها در مورد مسائل پاکستان است که از این آدرس به نشر خواهد رسید. قسمت اول این نوشته تحت عنوان «نظامیان و سیاست خارجی؛ سیاست خارجی پاکستان را چه کسانی می‌سازند؟» منتشر شد.

«کابل باید بسوزد» - جنرال اختر عبدالرحمان، رییس سازمان اطلاعاتی پاکستان ۱۹۸۰-۱۹۸۷.

«اگر کشمیر در آتش می‌سوزد، افغانستان نیز باید بسوزد» - شهباز شریف، عضو پارلمان پاکستان

در ادبیات معاصر شاید کمتر واژه‌ای همچو «بحران» در بسیار از علوم کاربرد داشته باشد و از آن استفاده وسیع و گسترده صورت گرفته باشد. دانشوران روابط بین‌الملل در مورد بروز تنش و جنگ میان کشور، اقتصاددانان دل‌مشغول آن‌ها تورم و تلاطم و نوسانات بازارهای مالی را بررسی می‌کنند و یا تحلیلگران سیاسی که ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی‌ها را رصد می‌کنند. همه از بحران برای تبیین پدیده‌ها استفاده می‌کنند. با وجود این بحران در علوم مختلف تعاریف مختلف دارد.

در پزشکی (طبابت) بحران نطقه عطفی در بیماری تعریف می‌کنند یعنی زمانیکه که معلوم می‌شود بیمار زنده می‌ماند و



کارکرد بحران در سیاست خارجی پاکستان

اخیر نشان می‌دهد که گاهی دولت‌ها تلاش می‌کنند برای مقاصد مختلف بحران‌سازی کنند. تصور سنتی این است که دولت‌ها همواره تلاش می‌کنند تا امنیت و ثبات را داخل کشور و سطح منطقه‌ای بیاورند. چون براساس این برداشت دولت‌ها در وضعیت آرامش می‌توانند به اهداف خود نایل شوند. این تصور سنتی خیلی نزدیک به آرا و اندیشه‌های لیبرالیستی و تا حد آرمان‌گرایانه است. برخلاف این تصور، گاه شاهد آن هستیم که دولت‌ها بحران‌سازی می‌کنند. «بحران‌سازی دولت‌ها هنگامی که در عرصه جغرافیایی و با هدف ایجاد بی‌ثباتی در کشورهای رقیب باشد چندان تعجب‌آور نیست؛ بلکه به‌صورت طبیعی می‌توان آن را یکی از راه‌های کسب قدرت و تضعیف رقیب دانست، اما هنگامی که

عبارت دیگر در نگرش پست پست‌مدرن تصمیم‌سازان برای کنترل وضعیت، جریان‌سازی، رسیدن به اهداف سیاسی و امنیتی و رسیدن به شرایط دلخواه دست به ساختن بحران می‌سازند و با استفاده از بحران فرصت تازه‌ای برای خود می‌سازند. برداشت نگارنده در پژوهش از بحران نیز برداشت پست پست‌مدرنی از مقوله بحران است.

چرا دولت‌ها/دولت‌مردان بحران آفرینی می‌کنند؟ مطالعه موردی دستگاه امنیتی و سیاست خارجی پاکستان
«آب در افغانستان باید آهسته آهسته به جوش بیاید» - جنرال ضیاالحق، رییس‌جمهور اسبق پاکستان
دولت‌ها همیشه در پی فروکش و کنترل بحران نیستند، تجربه سیاسی نیم‌قرن

موفقیت و رفع کم و کاستی‌ها می‌بینند. به عبارت دیگر، در این نگرش بحران به مثابه یک تجربه‌ای سازمانی برای تولید ظرفیت و به‌روز شدن است.

چهارم نگرش پسا پست‌مدرن/ پست، پست‌مدرن به بحران است. در این نگرش دولت‌مردان اساساً به دنبال بازگشت به وضعیت عادی و حل بحران نیستند بلکه از این فرصت برای تضعیف و تخریب رقیب، رسیدن به شرایط مطلوب و کسب قدرت استفاده می‌کنند. در نگرش خود دولت‌مردان بحران را طراحی و ایجاد می‌کنند. تفاوت عمده میان نگرش پست‌مدرن و پست پست‌مدرن در این است که پست‌مدرن‌ها بحران وضعیت تحمیلی است اما در نگرش پست پست‌مدرن بحران وضعیتی خودساخته و تعمیدی است. به

ترجمه

بحران هویت امریکا

■ دیوید بروکس، نیویورک تایمز
■ مترجم: جلیل پژواک

کرامت انسانی طی بیشتر سال‌های قرن گذشته متحدی به نام ایالات متحده امریکا داشت. ما مانند هر ملت دیگری عمیقاً معیوب و مستعد خطا هستیم اما امریکا به شکست فاشیسم و کمونیسم کمک کرد و زمینه‌ی برقراری صلح اروپا، شکوفایی آسیا و گسترش دموکراسی را فراهم آورد.

سپس مسأله عراق و افغانستان پیش آمد و امریکا ایمان به خود و نقش جهانی خود را از دست داد، مانند پنتالتی‌زنی که همه توپ‌هایش گرفته می‌شود و دیگر به پا و مهارت‌هایش با توپ اعتماد ندارد. اکنون بسیاری در جناح چپ این ایده را که امریکا می‌تواند قهرمان جهانی دموکراسی باشد رد می‌کنند و عباراتی مانند «ملت ضروری» یا «آخرین بهترین امید زمین» را مضحک می‌دانند. در سمت راست نیز که سیاست‌گران دیوارساز ایالات متحده قرار دارند، این باور که بقیه جهان حتا ارزش مشارکت ایالات متحده را ندارد مسلط شده است.

مردمان بسیاری در سراسر جهان همواره در برابر نقش خودتعیین‌شده امریکا به‌عنوان قهرمان دموکراسی مقاومت می‌کنند. اما همان‌ها وقتی امریکا عقب می‌کشد و اجازه می‌دهد ماشین نسل‌کشی‌هایی مثل روندا در نروژ، یا اجازه می‌دهد رژیم‌های خطرناک نظم جهانی را تهدید کنند، وحشت می‌کنند. مردم افغانستان آخرین شاهدان وحشت‌زده این واقعیت مربوط به ایالات متحده هستند. ناشی‌گری‌های امریکا در افغانستان کاملاً مستند شده است و درست است که ما تریلیون‌ها دالر هزینه کردیم و هزاران نفر خود را از دست دادیم. اما استراتژی دو دهه جنگیدن‌مان علیه تروریست‌ها در افغانستان و جاهای دیگر به

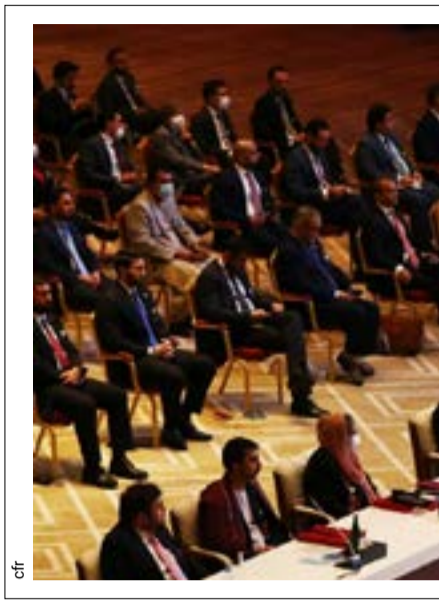


طی چند سال گذشته تعداد کوچکی از نیروهای امریکایی، با تلفات نسبتاً اندک، توانستند کمک کنند از مسلط‌شدن گروهی متشکل از بدترین آدم‌های روی زمین بر ملتی ۳۸ میلیون نفری، جلوگیری شود.



زمان بسیار محدود است و اندک غفلت و تأخیری، می‌تواند فاجعه‌های شدیدتر و جبران‌ناپذیرتر تاریخی به بار آورد. هرگونه انتظار از ساکنان ارگ و یا سایر ارکان ناکارآمد دولت فعلی (همچون پارلمان) و یا تکیه و اعتماد واهی بر سران احزاب قومی که شغل‌شان تجارت قومی است برای مقابله با طالبان و یا اصلاح وضع موجود (در عین فراموش‌نکردن مطالبه‌گری برای انجام وظایف و مسئولیت‌های‌شان)، و یا امید واهی به تغییر طالبان، سراب پوچی بیش نیست. ارگ‌گردانان و همچنین تاجران قومی اگر می‌خواستند با طالبان مقابله کنند و دولت مشروع و کارآمد تشکیل دهند، در طول دو دهه گذشته با پشتوانه‌ی پول‌های چندصد میلیارد دلاری و ۱۵۰ هزار سرباز خارجی این کار را می‌کردند. طالبان هم که مشخص است تنها تغییری که کرده، وحشی‌تر و ضد انسانی‌تر شده است.

بنابراین تمام مردم افغانستان که مخالف سلطه‌ی لشکریان جهل طالبان هستند (از تمام اقوام) لازم است تا هرچه زودتر برای کوتاه‌کردن دست نامشروع تاجران سیاسی و قومی، راهی برای تمثیل مستقیم اراده خود پیدا کنند. در شرایط فعلی مهم‌ترین راه این تمثیل، اجرای تمرکززدایی از ساختار سیاسی فاسد قدرت فعلی و به‌دست‌گرفتن سرنوشت خودشان با انتخاب ولسوال و والی به‌صورت محلی است. مهم‌ترین ابزار انجام این کار، خیزش‌های مردمی و مقاومت محلی در برابر طالبان است که باید به معنای واقعی کلمه مردمی باقی بماند، نه این‌که ابزاری برای چانه‌زنی و سوداگری تاجران فاسد سیاسی و قومی به‌منظور معامله با ارگ یا با طالبان گردد. این خیزش‌ها در مرحله بعد، هرچه سریع‌تر باید در مناطق مختلف با همدیگر هماهنگ شده و در نهایت جبهه واحدی علیه تمامیت‌خواهی سیاسی و شکست بن‌بست کنونی نظام سیاسی فاسد و طالبان تروریست تشکیل دهند.



هلندی» معروف است. در نتیجه مردم عملاً از جایگاه مشروعیت‌دهی و صاحب اختیار نظام سیاسی، به موجب‌بگیران و نان‌خوران دولت مرکزی سقوط کردند. تاوان این غفلت و رخوت را متأسفانه با فجایع انسانی هفته‌های اخیر در جای جای افغانستان شاهد هستیم.

بنابراین لازم است که تمام اقشار مردم از همه اقوام به‌شمول مرد و زن، پیر و جوان و... یک بار دیگر به‌صورت اساسی درک و فهم و پیش‌فرض‌هایشان برای تحلیل وضعیت کشورشان را بازبینی اساسی کنند و نواقصی را که باعث شده تا صحنه شطرنج پیچیده افغانستان به بن‌بست شرم‌آور کنونی در برابر گروه‌های تروریستی چون طالبان و ناتوانی از اصلاح فساد سیاسی حاکم بر ارگ برسد برطرف کنند. همچنین آحاد مردم با خود فکر کنند که چه نقش و آینده‌ای برای خود می‌خواهند و سپس برای رسیدن به آینده مورد نظر خود، دست به تصمیمات سرنوشت‌ساز بزنند. فرصت و

تحلیل

۳- **متهم کردن رقبا:** یکی دیگر از اهداف مرسوم بحران‌سازی، متهم کردن رقبا و بی اعتبار کردن آنها است. قتل‌های هدفمند و افراد سرشناس و حملات انتحاری نمونه‌ای از این دست اقدامات است که دولت‌ها برای بی اعتبار سازی گروه‌های مختلف استفاده می‌کنند. در مورد پاکستان دو نمونه‌ای آشکاری از این مورد وجود دارد. یکم، قتل جنرال ضیال‌الحق، جنرال ضیال‌الحق در یک سانحه هوایی در سال ۱۹۸۸ میلادی کشته شد. دولت پاکستان، سازمان اطلاعات هند [راوا] و روسیه [ک، جی، بی] را در درجه اول و نظامیان مخالف ضیال‌الحق را در درجه دوم مقصر این رویداد می‌دانند. دوم، ترور بینظیر بوتو در سال ۲۰۰۷ میلادی البته قتل بوتو مثل خوبی برای بحران‌سازی دولتی نیست اما مثل خوبی برای متهم کردن رقبا است. پس از قتل او حزب مردم پاکستان، جنرال پرویز مشرف و دستگاه اطلاعاتی او را متهم درجه شمرند و در قدم بعدی قتل او را به گردن القاعده و طالبان انداختند.

۴- **مشغول و مصروف کردن مخالفین:** گاهی یک دولت به منظور مشغول کردن مخالفین بحران ایجاد می‌کند. مشغول کردن مخالفین در دو سطح انجام می‌شود. یکم، سطح داخلی دولت مستقر با بحران‌سازی افکار عامه و مخالفین داخلی را به سمت دیگر هدایت می‌دهد. دوم، کشور (الف) با ایجاد کردن بحران در کشور (ب) آن کشور مشغول دفع و مهار بحران می‌کند و از این فرصت برای تعقیب اهداف خود استفاده می‌کند.

۵- **سرکوب مخالفین:** بعضی اوقات دولت‌ها با طرح بحران ساختگی رقبای سیاسی درون خود را سرکوب می‌کنند. پاکستان از این تاکتیک برای سرکوب پشتون‌ها و بلوچ‌ها آزادی‌طلب استفاده می‌کند.

مشاهده می‌کنیم که یک دولت مستقر و تثبیت‌شده در درون خویش و برای خود بحران می‌سازد.

۱- **مظلوم‌نمایی:** یکی از عوامل که پاکستان دست به بحران‌سازی می‌زند ایجاد احساس مظلومیت و بهره‌برداری از مواهب مظلوم‌نمایی است. پاکستان به نشان دادن اینکه در قضیه کشمیر مظلوم واقع شده است و در حقیقت ظلم شده است سعی می‌کنند حمایت جهانی و منطقه‌ای را در این مورد به‌دست بیاورد. مورد دوم که پاکستان در آن مظلوم‌نمایی می‌کند مسأله تروریسم است. در این‌که پاکستان در ترویج تروریسم نقش داشته است اتفاق نظر وجود دارد. اما دستگاه سیاسی پاکستان همواره تلاش دارند تا این موضوع را به شکل وارونه جلوه بدهند و خود را قربانی تروریسم نشان بدهند.

۲- **براندازی:** یکی دیگر از علت‌های که می‌توان برای بحران‌سازی در نظر گرفت، براندازی و خاتمه دادن به حیات سیاسی یک دولت یا یک نظام است. نظامیان و سیاستگذاران پاکستان بارها گفته‌اند که در براندازی دو دولت در افغانستان نقش داشته‌اند. جنرال یوسف در کتاب خود (دام خرس) می‌نویسد که پاکستان نقش اصلی را در براندازی دولت چچی [دکتر نجیب] افغانستان به‌دست مجاهدین که در پاکستان آموزش می‌دیدند و از آنجا تجهیز می‌شدند و حکومت مجاهدین [برهان‌الدین ربانی] به‌دست طالبان داشته است.

پاکستان و بلوک غرب از فرصت [بحران] پیش‌آمده در افغانستان استفاده فراوان کردند؛ بلوک غرب، شوروی را از پا درآورد و پاکستان نیز به اهداف خود رسید. هدف پاکستان از بحران آفرین و براندازی دولت در افغانستان روی کار آمدن دولت همسو با پاکستان و رفع تهدید گسترش ایدئولوژی چپ بود.



را درحال رهاکردن متحدان‌مان در جاهایی مثل افغانستان ببینیم، در نبرد خود برای به دست آوردن قلب و ذهن مردم ناکام مانده‌ایم؛ اگر رفتارمان شبیه «سیاست زور» خودکامه‌ها شود، ناکام مانده‌ایم؛ و اگر دیگر نتوانیم خودمان را در آیینه بدون احساس شرم نگاه کنیم، احتمالاً وضع خوبی نداریم.

به گمانم آنچه بیش از همه مرا گیج می‌کند رفتار چپ امریکایی است. درک می‌کنم که چرا دونالد ترامپ و سایر اقتدارگرایان امریکایی درباره نقش امریکا در جهان دمدمی هستند. آن‌ها همواره به بسته مترقی که امریکا در ترویج آن کمک کرده مشکوک بودند. اما هر روز می‌بینم مترقیانی که از حقوق زنان، حقوق ال‌جی‌بی‌تی‌کیو و عدالت نژادی در داخل دفاع می‌کنند، در عین حال از سیاست خارجی‌ای حمایت می‌کنند که قدرت را به طالبان، حماس و سایر نیروهای مرتجع خارج از کشور واگذار می‌کند.

اگر قرار باشد امریکایی‌ها با اقتدارگرایی ترمیمی در خانه مبارزه کنند، باید با مدل‌های زهری‌تر اقتدارگرایی که در سراسر جهان درحال رشد هستند نیز مبارزه کنند. این یعنی ماندن در میدان.

دیوید بروکس از سال ۲۰۰۳ در نیویورک تایمز ستون می‌نویسد. او نویسنده کتاب «مسیر شخصیت» و کتاب جدید «کوهستان دوم» است.

این منظور بوده که تروریسم جهانی دیگر به‌عنوان یک نگرانی عمده در زندگی روزمره امریکا دیده نشود. طی چند سال گذشته تعداد کوچکی از نیروهای امریکایی، با تلفات نسبتاً اندک، توانستند کمک کنند از مسلط‌شدن گروهی متشکل از بدترین آدم‌های روی زمین بر ملتی ۳۸ میلیون نفری، جلوگیری شود. در سال ۱۹۹۹ هیچ دختری در افغانستان در مکتب متوسطه شامل نبود. طی چهار سال پس از حضور امریکا ۶ درصد دختران برای مکتب ثبت‌نام کردند و تا سال ۲۰۱۷ این رقم به حدود ۴۰ درصد رسید.

اما پس از چند سال امریکا از خود ناامید شد و حالا درحال عقب‌نشینی است. و به احتمال قوی این عقب‌نشینی منجر به عقب‌گرد استراتژیک و فاجعه انسانی خواهد شد. طالبان به سرعت درحال تصرف قلمرو جدید هستند. ممکن است طولی نکشد که دختران افغانستان به دلیل تلاش برای رفتن به مکتب به فرق خود گلوله بخورند. آژانس‌های اطلاعاتی مسلح‌شدن شبه‌نظامیان قومی را تحت نظر دارند و نگران وقوع جنگ داخلی شدیدتر هستند. این نهادها نگران جاری‌شدن سیل آوارگان افغانستان و آزادشدن فضا برای گروه‌های تروریستی برای فعالیت آزادانه در افغانستان هستند.

عقربه حضور امریکا در افغانستان صرفاً به این دلیل متوقف نشد که امریکا اعتماد به نفس خود را از دست داد. همان‌طور که

رسوایی بدافزار پگاسوس؛ رییس جمهوری فرانسه تلفن همراه و شماره‌اش را عوض کرد

مراکش ادعاهای مطرح شده از سوی رسانه‌های فرانسه را رد کرده و اولیویه باراتلی، یک وکیل فرانسوی مستقر در مراکش اعلام کرده است که رباط قصد دارد علیه سازمان‌های غیردولتی «عفو بین‌الملل» و «داستان‌های ممنوع» که در تحقیقات مرتبط با بدافزار پگاسوس شرکت داشتند و دست به افشاشگری زده‌اند، شکایت کند.

در آخرین واکنش‌ها به افشاشگری‌ها درباره این بدافزار، دادستان‌های مجارستان نیز اعلام کردند که تحقیق درباره چند شکایت دریافت شده درباره این بدافزار را آغاز کرده‌اند.

دولت اسرائیل نیز تیمی متشکل از گروهی از وزرا را تشکیل داده تا گزارش‌های منتشر شده بر اساس تحقیقات ۱۷ سازمان رسانه‌ای را که می‌گویند نرم افزار «پگاسوس» برای هک تلفن‌های هوشمند استفاده شده، ارزیابی کند.

«ان‌اس‌او» برانگیخته است. این اعتراضات همچنین باعث شد یک قانونگذار ارشد در اسرائیل اعلام کند که یک هیأت پارلمانی، موضوع تهیه طرحی برای ایجاد محدودیت در صادرات نرم افزارهای جاسوسی را در دست بررسی دارد.

با این وجود شرکت «ان‌اس‌او» همچنان اصرار دارد که این نرم افزار با هدف مبارزه با گروه‌های تروریست و جنایتکار ساخته و فروخته شده است و هرگونه تخلف در این زمینه را رد می‌کند.

روزنامه لوموند همچنین رادیوی فرانسه روز سه‌شنبه گزارش دادند که دستگاه امنیتی مراکش به دنبال نفوذ در تلفن آقای ماکرون به کمک این بدافزار بوده است؛ با این وجود هر دو رسانه تاکید کردند از آنجا که به تلفن رییس جمهوری فرانسه دسترسی ندارند، نمی‌توانند بررسی کنند که آیا از تلفن او واقعا جاسوسی شده است یا خیر.



نگاران، فعالان حقوق بشر و مقامات دولتی کشورها با هدف جاسوسی از آنها هک شده است؛ اقدامی که اعتراض جهانی را علیه شرکت فروشنده آن یعنی

اطلاعات روز: در پی افشاشگری‌های انجام شده درباره جاسوسی از رهبران سیاسی و چهره‌های مطرح بین‌المللی توسط یک بدافزار اسرائیلی به نام «پگاسوس»، امانوئل ماکرون رییس جمهوری فرانسه تلفن همراه و شماره تلفن خود را عوض کرد.

به نقل از یورونیوز فارسی، این خبر روز پنج‌شنبه از سوی سخن‌گوی دولت فرانسه تایید شد. با این وجود گابریل آتال به خبرنگاری رویترز گفت: «ماکرون چند شماره تلفن دارد. این بدان معنا نیست که از او جاسوسی شده است؛ این فقط یک اقدام امنیتی اضافی است.»

او افزود که پروتکل‌های امنیتی رییس جمهور نیز با توجه به این حادثه در حال به‌روزرسانی هستند.

بنا بر گزارش چندین رسانه بین‌المللی، به کمک بدافزار «پگاسوس» تلفن‌های بسیاری از روزنامه

عفو بین‌الملل خواستار توقف استفاده از سلاح جنگی علیه معترضان در خوزستان شد

نظامی و امنیتی علیه معترضان در خوزستان را محکوم کرده و خواستار رسیدگی به خواست معترضان در خصوص مشکلات کم‌آبی در این استان شده‌اند.



همچنین وضعیت کشاورزی و دامداری و در کل معیشت خانوارهای این مناطق را با خطرات جدی مواجه کرده، شهرهای مختلف استان خوزستان در هفته گذشته شاهد اعتراض‌های مردمی بوده است.

این اعتراض‌های شبانه ابتدا از شهرهای شرقی خوزستان آغاز و در ادامه به سایر شهرها و حتی استان‌ها کشیده شد.

منابع غیر رسمی و مردمی تاکنون کشته شدن دست‌کم هشت نفر و زخمی شدن و بازداشت تعدادی از شهروندان را گزارش داده‌اند.

مقام‌های رسمی و رسانه‌های داخلی تاکنون فقط خبر کشته شدن دو جوان معترض را تایید کرده و تاکنون آماری از تعداد زخمی‌ها و بازداشت‌شدگان ارائه نداده‌اند.

همچنین مقامات جمهوری اسلامی ایران بارها این اعتراض‌ها را به «اغتشاشگران» نسبت داده و تلاش کرده‌اند آن را ناشی از «تحركات براندازان» و گروه‌های مخالف نظام اعلام کنند.

تاکنون شخصیت‌ها و نهادهای حقوق بشری، سیاسی و فرهنگی داخلی و بین‌المللی بسیاری عملکرد نیروهای

دانسته که تاکنون هیچ مقامی درباره آنها پاسخگو نبوده است.

سازمان عفو بین‌الملل در ادامه این بیانیه همچنین خواستار پایان دادن به اختلال و قطعی کامل اینترنت در خوزستان شده و از مقامات ایران خواسته تا اطمینان بدهند که آسیب‌دیدگان بدون ترس از بازداشت خودسرانه می‌توانند از خدمات درمانی در بیمارستان‌ها استفاده کنند.

در همین رابطه سازمان دیدبان حقوق بشر نیز روز پنج‌شنبه، ۳۱ سرطان، در بیانیه‌ای با انتقاد از شدت عمل نیروهای نظامی و امنیتی علیه معترضان در خوزستان از مقامات ایران خواست تا درباره مرگ حداقل سه معترض تحقیق کنند و مسببان این حملات را مورد بازخواست قرار دهند.

این سازمان نیز همچون عفو بین‌الملل خواستار رسیدگی فوری دولت به مشکل جدی کم‌آبی در کشور شده است. به دنبال بحران کم‌آبی در بسیاری از مناطق ایران از جمله خوزستان که دسترسی به آب آشامیدنی را برای شهروندان با دشواری‌های زیادی همراه کرده،

اطلاعات روز: سازمان عفو بین‌الملل روز جمعه در بیانیه‌ای با اشاره به کشته شدن هشت نفر در اعتراض‌های اخیر خوزستان از مقامات ایرانی خواست تا استفاده از سلاح و زور علیه معترضان را متوقف کنند.

به گزارش رادیو فردا، در این بیانیه که روز جمعه، یکم اسد، منتشر شد، سازمان عفو بین‌الملل با اشاره به اقدامات اخیر نیروهای امنیتی و نظامی در چند شهر خوزستان که منجر به کشته شدن دست‌کم ۸ نفر از جمله یک نوجوان شده خواستار آزادی فوری بازداشت‌شدگان و محافظت از زندانیان در مقابل شکنجه و بدرفتاری شده است.

در این بیانیه دینا الطحاوی، معاون مدیر خاورمیانه و شمال آفریقا سازمان عفو بین‌الملل، استفاده از مهمات جنگی علیه معترضان غیرمسلح را تهدیدی جدی علیه جان این افراد و نقض شدید تعهدات جمهوری اسلامی در حفاظت از جان انسان‌ها توصیف کرده است.

خانم الطحاوی اقداماتی چون تیراندازی، استفاده از گاز اشک‌آور و بازداشت معترضان را در اعتراض‌های اخیر «هولناک» و «غیرقانونی» خوانده و آن را یادآور اقدامات جمهوری اسلامی در برخورد با معترضان عقب ۹۸

عبور دو ناو ایرانی از نزدیکی دانمارک

در آن زمان آمریکا به ونزوئلا و کوبا درباره پهلو گرفتن ناوهای ایران در بندرهای این کشورها هشدار داد اما بنا بر اعلام مقام‌های آمریکایی، شناورهای ایرانی ماه گذشته مسیر خود را به سمت شمال اقیانوس اطلس تغییر دادند.

ناوبندر مکران، یک ناو پیشتیبانی با قابلیت حمل هلیکوپتر است با تغییر کاربری یک نفتکش به نیروی دریایی ایران پیوسته است.

ایران هم قرار است در این مراسم که یکشنبه برگزار می‌شود، شرکت کند.

این دو شناور ساخت ایران در ماه می بندرعباس را ترک کردند و پس از دور زدن آب‌های جنوب آفریقا راهی اقیانوس اطلس شدند.

تصاویر ماهواره ای شرکت ماکسار بیانگر قرار گرفتن ۷ قایق تندرو بر روی عرشه ناوبندر مکران است.

بالت میا دانمارک و آلمان و نزدیکی جزیره بورنهورم، متعلق به این کشور عبور کرده‌اند.

بر این اساس، کشتی‌های نیروی دریایی دانمارک در طول مسیر کشتی‌های ایرانی را همراهی کرده‌اند.

خبرگزاری‌های ایران ماموریت این دو ناو را شرکت در مراسم سیصد و بیست و پنجمین سالگرد تاسیس نیروی دریای روسیه عنوان کرده‌اند.

دریادار حسین خانزادی، فرمانده نیروی دریایی ارتش

اطلاعات روز: نیروی دریایی دانمارک از مشاهده ناوبندر مکران، بزرگ‌ترین ناو نیروی دریایی ایران و ناوچه سه‌سهند در آب‌های دریای بالتیک خبر داده است.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، این دو ناو که پیش‌تر تصور می‌شد راهی ونزوئلا هستند، به سوی بندر سن پترزبورگ روسیه در حرکت هستند.

نیروی دریایی دانمارک با انتشار تصاویر این دو ناو در تویتر، اعلام کرد شناورهای ایرانی از تنگه فیهمارن

کمیسیون اروپا مذاکره با بریتانیا برای تغییر مقررات تجاری ایرلند شمالی را رد کرد

او افزود دولت بریتانیا خواستار کاهش قابل توجه مقررات مرزی و فقط کنترل آن بخش از کالاهایی است که ممکن است از ایرلند شمالی به جمهوری ایرلند منتقل شوند. اما با توجه به بی‌اعتمادی بین بریتانیا و اتحادیه اروپا پذیرش چنین گزینه‌ای از سوی بروکسل بعید به نظر می‌رسد.

دفتر نخست‌وزیری بریتانیا در بیانیه‌ای گفت که بوریس جانسون در گفت‌وگوی تلفنی به رییس کمیسیون اروپا گفته است که وضعیت فعلی نمی‌تواند ادامه پیدا کند و برای حل مشکل مردم و جامعه اقتصادی ایرلند شمالی می‌توان راه‌حل‌های عملی مناسبی پیدا کرد که در عین حال به بهبود مناسبات بین لندن و بروکسل نیز کمک خواهد کرد.

سخن‌گوی کمیسیون اروپا نیز تاکید کرد که این اتحادیه به مذاکره با بریتانیا ادامه خواهد داد و مسئولان برگزیت از هر دو طرف به زودی دیدار و مذاکره خواهند کرد.

اتاق صنایع و بازرگانی ناحیه ایرلند شمالی نیز تاکید کرد که هر دو طرف برای اجرای بهتر توافق برگزیت در مرزهای ایرلند باید راه‌حل‌های عملی و مناسب‌تری پیدا کنند.

این نهاد در بیانیه‌ای افزود: «دو طرف باید از جر و بحث پرهیز کرده و روی گفت‌وگوهای موثر و تصمیم‌گیری تمرکز کنند. همکاری با فعالان اقتصادی می‌تواند تجارب عملی در اختیار آنها قرار دهد و سطح اعتماد و مناسبات را بهبود خواهد داد.»

حاضر نیست توافق برگزیت را تغییر دهد.»

ناحیه ایرلند شمالی تنها بخش از قلمرو بریتانیاست که با اتحادیه اروپا مرز زمینی دارد و به همین دلیل بخشی از کالاهایی که از سایر نقاط بریتانیا وارد ایرلند شمالی منتقل می‌شود مشمول کنترل مرزی و گمرکی می‌شوند.

هدف این ساز و کار ویژه حفاظت از یکی از اساسی‌ترین محورهای توافق صلح ایرلند یعنی حفظ مرزهای باز بین ناحیه ایرلند شمالی و جمهوری ایرلند بود که بخشی از اتحادیه اروپاست. به زبانی دیگر به جای آن که مرز بین بریتانیا و اتحادیه اروپا در خط فاصل دو بخش ایرلند برپا شود در آب‌های دریای شمال و بین ناحیه ایرلند شمالی و جزیره بریتانیا برپا شده است. وحدت‌طلبان ایرلند شمالی از این موضوع به شدت ناراضی هستند.

مقامات اتحادیه اروپا تاکید می‌کنند که این مرز تجاری برای کنترل کیفیت کالاهایی که از خارج وارد اتحادیه اروپا می‌شود، ضروری است. اما دولت بریتانیا مدعی است که اتحادیه اروپا موضع «تاب‌گرایانه‌ای» دارد که با افزایش کاغذبازی باعث کندگی و اختلال شدید در روند انتقال کالا می‌شود.

دیوید فراس، وزیر امور برگزیت در کابینه بریتانیا، روز چهارشنبه گفت دولت این کشور با حسن نیت تلاش کرده این مقررات را اجرا کند ولی دشواری‌های فراوانی در ناحیه ایرلند شمالی بوه جود آورده است.



به گزارش خبرنگاری آسوشیتدپرس، مقامات ارشد دولت بریتانیا از جمله وزیر مسئول ناحیه ایرلند شمالی در روزهای اخیر به طور علنی گفته‌اند که مفاد توافق لندن با اتحادیه اروپا در مورد تجارت و کنترل مرزی ایرلند شمالی «قابل اجرا نیست.»

به نقل از رادیو فردا، خانم فن در لاین پس از گفت‌وگوی تلفنی با بوریس جانسون در توفیتی نوشت: «اتحادیه اروپا در این زمینه خلاقیت و انعطاف نشان خواهد داد ولی

اطلاعات روز: اورزولا فن درلاین، رییس کمیسیون اروپا، روز پنجشنبه ۳۱ سرطان درخواست بریتانیا برای مذاکره مجدد در مورد مقررات تجاری ناحیه ایرلند شمالی در توافق برگزیت را رد کرد.

بوریس جانسون، نخست‌وزیر بریتانیا، از اتحادیه اروپا خواسته است که برای حذف بوروکراسی و کنترل‌های مرزی که باعث کمبود برخی از کالاهای اساسی در ناحیه ایرلند شمالی شده با لندن مذاکره و همکاری کند.

طالبان در گرو جهل مقدس

عبدالحمید زاهدی

تعبیر جهل امروز بیشتر در مقابل علم به کار می‌رود؛ یعنی ندانستن یا نادانی. ما کسی را جاهل می‌دانیم که اطلاعات کافی نداشته باشد. در ادبیات دینی و عربی قدیم و اصیل حتا قبل از دوره اسلام، جهل معنای دقیق‌تر و عمیق‌تری دارد و در مقابل عقل و یا حلم قرار می‌گیرد. به تعبیر دیگر یک طرف ماجرا عقل و حلم قرار دارد و در طرف دیگر آن جهل و سفاقت. جهل «ناخردی» است و بیش از آن‌که به ندانستن دانایی و آگاهی اشاره کند، معطوف به رفتار است. در واقع جاهل به کسی گفته می‌شود که رفتار ناخردانه‌ای دارد و عاقل کسی است که از روی خرد عمل می‌کند، این خرد هم بیش از این‌که به عقل نظری اشاره کند، ناظر به عقل عملی یا خود عمل است. یعنی ما یک فرد عاقل را از روی رفتارش تشخیص می‌دهیم.

ما در ادبیات دینی از دوره پیش از اسلام به‌عنوان دوره جاهلیت تعبیر می‌کنیم؛ دوره جاهلیت برخلاف تصور عموم به معنای بی‌سوادی و نبود آگاهی مردم آن زمان نیست. البته درست است که یادگیری خواندن و نوشتن میان مردم شبه‌جزیره چندان رواج نداشته، اما مردم بی‌سوادی نبودند و اوج شعری عربی را در دوران جاهلیت شاهدیم. نبوغ در شعر بدون سوادی و آگاهی به‌دست نمی‌آید. پس مشکل اعراب جاهلی در بی‌سوادی و کم‌سوادی نبود؛ مشکل آن‌ها در رفتارهای ناخردانه بود. کلمه جهل می‌تواند به معنای ندانستن یا رفتارهای ناخردانه باشد، اما وقتی که کلمه مقدس در کنار آن اضافه می‌شود به معنای

این است که شخص، نادانی خود را به پای دین می‌گذارد و درحالی‌که کار نادرستی انجام می‌دهد احساس می‌کند بهترین کار را انجام داده است. مثلاً جان انسان‌ها را در یک عملیات انتحاری می‌گیرد و تصور می‌کند که با این کار به خدا تقرب پیدا کرده است. در واقع جهل مقدس جهلی است که در هاله‌ای دینی و قداست وجود دارد. اگر انسان علمش را به حد مطلوب نرساند و از آن به خوبی استفاده نکند، در محیط دینی دچار این توهم می‌شود که گویا دین این را از او می‌خواهد. در واقع هر دوی این عامل سبب می‌شود تا گروهی مثل طالب شکل گیرد و شکل‌گیری این گروه و گروه‌های افراطی مثل این را نمی‌توانیم دست‌پرورده‌ی علمای دین بدانیم و علمای بزرگی دینی وجود چنین گروه‌ها را اصلاً قبول ندارد. بنابراین گفته می‌توانیم که طالب مشکل ناخردی دارند. با کدام منطق و براساس کدام مجوزی، انسان می‌تواند خودش را در میان گروهی منفرجه کند؟ هیچ عقلانیتی انسان را به این نقطه هدایت نمی‌کند. اگر کسی مطلقاً هم نادان باشد و از حکم خداوند اطلاعی نداشته باشد، اگر عاقل باشد می‌تواند بفهمد که این کار درست نیست. انسان عاقل برآورد می‌کند که ثمر کارش چیست؟ حتا در منابع دینی آمده است که اگر شما بدانید که امر به معروف و نهی از منکر تأثیری ندارد، نباید این کار را انجام دهید. حال ثمره کشتن چیست؟ این مسأله هم مشکلی نادانی است و هم مشکلی ناخردی و این مسأله اگر در محیط دینی مثالی افغانستان رخ دهد، نام «جهل مقدس» را به خود می‌گیرد. در جهل



مغایری با این اصل اسلامی عمل می‌کند و آموزش را برای زنان که نیمی از جامعه‌ی افغانستان است، ممنوع می‌داند و با ایجاد سد بزرگی دسترسی زنان را از آموزش و تعلیم کوتاه می‌کند. افکار و عملکرد طالبان از تمام جهات باعث کاهش اعتبار اسلام و مسلمین در جهان می‌شود. به‌راستی امروز مردم دنیا نگاه‌شان نسبت به دین اسلام چگونه است؟ دین و مذهب برای طالبان، وسیله و پوشش برای اعمال افکار غیردینی‌شان است و با این کار جفای بزرگی در حق اسلام و مسلمانان می‌کنند. گروه طالبان با به آتش کشاندن مکتب‌ها، سو‌قصد قراردادن و قربانی کردن دانش‌آموزان، از بین بردن اماکن و آثار تاریخی و بسا کارهای ناشایست دیگر، جهل خود به تمام دنیا ثابت کرده است. جهالت ویرانگر است و تحت تأثیر واقع‌شدن در جهل مقدس ویرانگرتر، و طالبان با چنین جهالت خود، جفای فراموش‌نشده‌ی در حق دین و مردم می‌کند.

خود قرار می‌دهد. یکی از آفات اجتماعی که فاجعه‌تأسف‌بار برای جوامع دینی امروز وجود دارد همین جهل مقدس است؛ جهلی که قهرمانانش دست به بدترین جنایات می‌زنند، به خیال آن که کاری می‌کنند مورد خواست خدا است و آنان برای خدا تلاش می‌کند و شخص جاهل در جهل مقدس می‌سوزد، ولی با این تفکر که گویا برای خدا می‌سوزد، گرسنگی، فقر، جنگ و دشمنی، جنایت، آدم‌کشی و آزار به هم‌نوعان همه را به قصد قربت تحمل می‌کند و جالب این است که از هر گونه روشننگری هم می‌هراسد.

بنابراین طالبان در گرو جهل مقدس به‌سر می‌برند. عقایدی که گروه طالبان در افغانستان ترویج و اعمال می‌کنند نه تنها با اسلام و فرهنگ اسلامی مغایر است، بلکه این رفتارها غیرانسانی و ناخردانه است و ناشی از جهل مقدس و عدم فهم درست از دین و ارزش‌های دینی است. نخستین درس اسلام، آموزش و فراگیری به معنای عام آن است. و طالبان

”

طالبان در گرو جهل مقدس به‌سر می‌برند. عقایدی که گروه طالبان در افغانستان ترویج و اعمال می‌کنند نه تنها با اسلام و فرهنگ اسلامی مغایر است، بلکه این رفتارها غیرانسانی و ناخردانه است و ناشی از جهل مقدس و عدم فهم درست از دین و ارزش‌های دینی است.

”

مقدس شخص جاهل با نهادی همراه می‌شود به‌نام «اعتقاد» یعنی برای چنین انسانی اعتقاد به‌جای تفکر می‌نشیند و شخصی که به امری معتقد می‌شود فکرش را گره در معتقدات خویش می‌کند و معتقداتش را خط سرخ برای

درباره‌ی مثلثِ اوهام در ارگ

سخی‌داد هاتف

می‌گویند یکی از فضایل سیستم دموکراتیک این است که در آن از وقوع خطاهای بزرگ جلوگیری می‌شود. به این معنا که در سیستم دموکراتیک توازن قوا به گونه‌ای است که نمی‌گذارد هیچ کسی به تنهایی تصمیم‌هایی بگیرد که اگر آن تصمیم‌ها اشتباه باشند پی‌آمدهای‌شان بسیار بزرگ و ویرانگر باشد. در سیستم دموکراتیک پیوسته نوعی مذاکره میان قوای مجریه و مقننه و قضائیه وجود دارد (در حضور مطبوعات و رسانه‌های آزاد) و این مذاکره پیوسته مخصوصاً جلو تکتازی‌ها و تصمیم‌های خطرناک شاخه‌ی اجرایی حکومت را می‌گیرد.

این روزها در افغانستان از «جمهوریت سه‌نفره» سخن گفته می‌شود: رییس‌جمهور، مشاور امنیت ملی و رییس اداره‌ی امور ریاست‌جمهوری. به‌نظر می‌رسد که رییس‌جمهور افغانستان، محمد اشرف غنی، به خاطر سابقه‌ی آکادمیک خود تصویری بسیار متورم از توانایی‌های علمی و مدیریتی خود دارد و گمان می‌کند که دانش یک‌نفری خود را می‌تواند جانشین فهم سی و پنج میلیون شهروند بکند. به همین خاطر نیازی نمی‌بیند که دریافت‌ها و تشخیص‌های خود را با دانش و شناخت پراکنده در میان سی و پنج میلیون آدم این کشور درستی‌آزمایی کند. برای او کافی است که دو تن از جوانان بسیار نزدیک به او، حمدالله محب و فضل‌محمود فضلی، حرف‌ها و طرح‌های او را تایید کنند و یا - به بیانی بهتر - به او این حس را بدهند که همه چیز در شمع خردمندی این پیشوای دانا و توانا به

خوبی پیش می‌رود.

افغانستان پارلمان دارد، رسانه‌ها دارد، روشنفکران و نویسندگان و صاحب‌نظران مستقل دارد و قوه‌ی مجریه‌ی کشور می‌تواند از نقدها، پیشنهادهای و قضاوت‌های آنان استفاده کند. اما مثلثِ اوهام در ارگ فهم و درک خود از قضا یا را صائب‌تر و دقیق‌تر از فهم و درک همگان می‌داند. ارگیان وقتی به چهارسوی کشور نگاه می‌کنند و می‌بینند که اوضاع هر روز بدتر می‌شود، در تشخیص خود شک و در تطبیق سیاست‌های خود تجدید نظر نمی‌کنند؛ خیال می‌کنند بدتر شدن اوضاع و شدت گرفتن نارضایتی مردم چیزهای قابل اعتنایی

نیستند و به زودی معلوم خواهد شد که آنچه این مثلث اوهام در قصر ریاست‌جمهوری پخته، درست بوده است. تا کنون، همه‌ی نشانه‌ها می‌گویند که روشی که ارگ در پیش گرفته حاصل مثبت چندانی نداشته است. این البته جای شگفتی هم ندارد. بعید است که یک یا سه نفر محصور در قصر ریاست‌جمهوری چنان احاطه و اشرافی بر اوضاع مملکت داشته باشند که هر تصمیمی که می‌گیرند مبتنی بر شناخت درست از واقعیت‌های کشور باشد. هیچ انسانی چنان وسع و ظرفیتی ندارد. داشتن پارلمان و رسانه‌های آزاد یک تمرین نمایشی نیست. قرار است که نمایندگان مردم و رسانه‌ها

میان حکومت و وضعیت جاری در میان شهروندان کشور پل پیوند باشند. قرار است که رییس‌جمهور و اطرافیانش از طریق پیوند سازنده با نمایندگان مردم و رسانه‌ها آگاهی خود از وضعیت شهروندان و خواست‌ها و نارضایتی‌های‌شان را افزایش بدهند و پنداشت‌ها و دریافت‌های خود را تصحیح و تدقیق کنند. فعلاً رییس‌جمهور و اشخاص معتمدش در قصر به پارلمان و رسانه‌ها به‌عنوان «زنگوله»‌های نمایشی در نظام جمهوری نگاه می‌کنند و خود را مایه و مبدأ و مسیر و مقصد اصلی سیاست کشور می‌دانند. این روش خطاست؛ چون اگر دریافت‌های وهم‌زده‌ی این سه نفر اشتباه و تصمیم‌های‌شان غلط باشند، آن تصمیم‌ها

برای مردم افغانستان بسیار پرهزینه خواهند بود. وقتی که مردم از فلان گوشه‌ی فلان ولسوالی فریاد می‌زنند که وضعیت‌شان خوب نیست، لابد وضعیت‌شان خوب نیست. این از توان سه نفر ارگ‌نشین خارج است که بدانند در هر گوشه‌ی افغانستان چه می‌گذرد. آنان باید به صدای مردم و گزارش رسانه‌ها و اعتراض نمایندگان مردم گوش بدهند. رییس‌جمهور باید نخوت علامگی را فرو بگذارد و واقعا به نگرانی‌های مردم از منظر مردم نظر کند. استبداد رای، نخوت علامگی و اتکاء بر گزارش‌های وهم‌آلود نزدیکان ارگ‌نشین رییس‌جمهور را از مردم دور و مردم را به فاجعه‌ی سقوط در سیاهچال امارت طالبانی نزدیک کرده است. از هیچ جای ملک خبر خوشی نمی‌رسد. آیا همین کافی نیست که رییس‌جمهور در روش مالوف خود تجدید نظر کند و از آن مثلث وهم‌زده بیرون بیاید؟



هر روز روزنامه اطلاعات‌روز را پشت در منزل‌تان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکت‌ها

۴۰۰۰ افغانی

۷۰۰۰ افغانی

شش‌ماهه

یک‌ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات‌روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

میراثی که از خود برجای می‌ماند باشد. پس از شکست در تلاش‌ها برای گشودن باب اقتصادی با غرب، او اکنون در صدد است تا با تنها قدرت بزرگ جهانی که وزن اقتصادی آن می‌تواند با امریکا یا اروپا همسان باشد، توافق معادل آن را ایجاد کند.

پس از سال‌ها حمله بر او برای گشودن [دروازه‌ها] به سوی غرب، مخالفین داخلی روحانی که حالا می‌خواهند وارد انتخابات ۲۰۲۱ شوند، او را برای به راه‌انداختن مذاکرات «مخفی» با چین مورد حمله قرار می‌دهند. قراردادی به این بزرگی نیازمند تأیید پارلمان جدید و فوق محافظه‌کار ایران است. برخی از اعضای پارلمان مخالفت شدید خود را با این حرکت نشان داده‌اند. بحث عمومی در مورد گسترش روابط با چین دچار انقطاب شده است. در نهایت، آخرین تصمیم در مورد مشارکت ایران در معامله با چین از سوی رهبر مذهبی این کشور گرفته خواهد شد.

ایران و چین، هر دو از یک چارجوب رسمی بلندمدت که روابط دوجانبه آن‌ها را تنظیم کند، سود می‌برند. درحالی‌که یک موافقت‌نامه‌ی همه‌جانبه به احتمال قوی مشارکت آن‌ها را قوی‌تر می‌کند، اما منجر شدن آن به اتحاد کامل استراتژیک بعید به نظر می‌رسد. به‌صورت واضح این حرکت با مخالفت شدید در داخل ایران روبرو خواهد شد. چین نیز که تا کنون در مورد این موافقت‌نامه ابراز نظر اساسی نکرده است، باید مناسبات در حال گسترش خود با ایران را با نگرانی‌های اسرائیل، عربستان سعودی، و امارات متحده عربی که همه تبدیل به شرکای اقتصادی مهم چین در خاور میانه شده‌اند، توازن کند. همچنان، روشن نیست که آیا سکتورهای بازرگانی و بانکداری چین با توجه به تهدید تحریم‌های ایالات متحده تا چه حد حاضرند با ایران معامله کنند. در کنار آن، این‌که تهران و بیجینگ این رابطه را تا کجا پیش می‌برند، بستگی به مناسبات هرکدام از آن‌ها با واشنگتن دارد.

نوت: این مطلب اولین بار در سایت شورای اروپایی سیاست خارجی نشر شده است

+++

چین، همسایه‌ی ما و یکی از دو قدرت بزرگ جهان، در حال گسترش نفوذ اقتصادی، سیاسی و امنیتی خود در حوزه‌های آسیای میانه و جنوب آسیا است. این کشور با راه‌اندازی پروژه‌ی بلندمدت کمربند و راه «BRI» و احیای راه باستانی ابریشم، هوای تسلط بر شاهراه‌های اقتصادی ابروشیا، شرق میانه، افریقا، حوزه‌ی دریای جنوب چین و حتی امریکای جنوبی را در سر دارد. افغانستان، از لحاظ جغرافیایی در میان شاهراه زمینی «کمربند و بزرگ‌راه بحری» «راه» افتاده است. با خروج زودرس نیروهای امریکایی و هم‌پیمانان غربی‌اش از افغانستان، نقش کشورهای منطقه، به‌ویژه چین، احتمالاً تعیین‌کننده‌تر از هر زمانی دیگر می‌شود؛ اما شناخت حلقات دیپلماتیک، دانشگاهی، رسانه‌ها و افکار عامه‌ی افغانستان از این «برهمسایه» چیست؟ تا چه حد سیاست خارجی آن کشور پیرامون آسیای میانه و جنوب آسیا برای ما قابل فهم است؟

با ترجمه و نشر مقاله‌های اکادمیک که بیشتر در حوزه‌های دانشگاهی و مراکز معتبر پژوهشی تولید شده، تلاش داریم روزنه‌ای برای مخاطبان در شناخت چین و برنامه‌های آن کشور برای منطقه و کشور ما بگشاییم. ارزش علمی، تاریخی، بی‌طرفی و عمق تحلیل مقاله‌ها، معیارهای انتخاب ماست. آقای سمیع مهدی، خبرنگار و استاد دانشگاه کابل، پذیرفته است که هفته‌ی یک مقاله برای نشر در این بخش به اطلاعات روز بفرستد. البته این کار پاک از اشتباه و کوتاهی نخواهد بود و در این مسیر نیاز به نقد و رهنمایی کسانی که این ستون را دنبال می‌کنند داریم.



پشت پرده‌ی همکاری چین و ایران

چین تبدیل به مدافع صریح‌تر ایران در آژانس بین‌المللی اتمی شده و حتی ماه گذشته در برابر قطع‌نامه به رهبری اروپا که ایران را سرزنش می‌کرد، ایستاد. از سوی دیگر، ایران تلاش کرده است عضویت کامل سازمان همکاری‌های شانگهای را که مستلزم تأیید چین است، به‌دست آورد.



شده‌اند، گفت‌وگوهای خود را سرعت بخشیده‌اند. برای ایران، رسمیت‌بخشیدن به مناسبات دوجانبه‌اش با چین به‌شکل محکم‌تر می‌تواند سود قابل لمس اقتصادی داشته باشد و به اهداف جیوپولیتیک‌اش کمک کند. در سال‌های اخیر، ایران به روشنی آگاه بوده است که از سرمایه‌گذاری‌های مشابه به آنچه که چین در اسرائیل و کشورهای شورای همکاری‌های خلیج داشته است، سود نمی‌برد. بنابراین، یک توافق روی رابطه‌ی درازمدت می‌تواند تعهد چین را به‌گونه‌ی به دست دهد که تهران بتواند خواهان همکاری بزرگ‌تر اقتصادی با بیجینگ شود و اعلامیه‌های بلندپروازانه در مورد اهمیت ایران برای ابتکار کمربند و راه تبدیل شدن آن به پروژه‌های کارآفرین برای ایران شود.

موافقت‌نامه‌ی چین و ایران یک بعد بزرگ سیاسی هم دارد. این شراکت برای تهران به همان اندازه که در مورد بیجینگ است، در مورد واشنگتن نیز است. ایران با چشمان باز می‌بیند که رقابت قدرت‌های بزرگ میان ایالات متحده و چین احتمالاً در سال‌های آینده شدیدتر خواهد شد. مذاکره روی توافق ایران و چین، برای ایران فرصت ایجاد می‌کند توجه دولت‌های غربی را در جریان بحث روی اقتصادی‌شان با چین، به خود جلب کند. این وضعیت می‌تواند قدرت چانه‌زنی ایران در مذاکرات آینده با اروپا و ایالات متحده روی کاهش تحریم‌ها را بالا ببرد. تهران می‌تواند خود را به‌عنوان یک نیروی توازن‌بخش در روابط پایتخت‌های غربی با بیجینگ و مسکو معرفی کند.

در برابر فشارهای ایالات متحده در سازمان ملل و در صورتی که اداره‌ی ترمپ بخواهد در ماه‌های آینده تحریم‌های بسیار جنجال‌برانگیز ملل متحد علیه ایران را احیا کند، ایران از روسیه و چین انتظار واکنش شدید خواهد داشت. چین تبدیل به مدافع صریح‌تر ایران در آژانس بین‌المللی اتمی شده و حتی ماه گذشته در برابر قطع‌نامه به رهبری اروپا که ایران را سرزنش می‌کرد، ایستاد. از سوی دیگر، ایران تلاش کرده است عضویت کامل سازمان همکاری‌های شانگهای را که مستلزم تأیید چین است، به‌دست آورد.

اشتیاق ایران برای دستیابی به توافق همکاری با چین نقش مهم در سیاست داخلی آن کشور نیز دارد. رهبر مذهبی ایران از دیر زمانی حامی ایجاد اتحاد‌های استراتژیک با قدرت‌های غیرغربی است که به‌نظر او قابل اعتمادتر از امریکا بوده است. این تمایل پس خروج امریکا از توافق هسته‌ای قوی‌تر از گذشته شده است. رییس‌جمهور حسن روحانی شاید خواهان گشایشی در مناسبات با غرب بوده باشد، اما او همچنان از همگرایی بیش‌تر با اقتصادهای آسیایی چون چین، جاپان و کوریای جنوبی بوده است. مرشد او، رییس‌جمهور پیشین اکبر هاشمی رفسنجانی، طرفدار برجسته‌ی اقتباس از مودل اقتصادی دنگ شیائوپینگ برای ایران بود. حالا که روحانی وارد آخرین سال ریاست‌جمهوری خود می‌شود، باید متوجه



ایلی گرانمایه، پژوهشگر ارشد شورای اروپایی سیاست خارجی مترجم: سمیع‌الله مهدی، رییس رادیو آزادی در افغانستان

مذاکرات ایران و چین که در شایعات رسانه‌ای آمده، می‌تواند سود چشم‌گیر اقتصادی برای ایران داشته باشد و توان چانه‌زنی جیوپولیتیک آن را بلند ببرد.

چین و ایران، به‌دلیل گزارش‌های که در مورد این دو کشور روی مشارکت بلندمدت‌شان نشر شده است، حتی پیش از این‌که جزئیات آن به‌گونه‌ی رسمی در دسترس باشد، در محراق توجه قرار گرفته‌اند. چراغ سبز این مذاکرات اندکی پس از نهای شدن برجام در ۲۰۱۶ و سفر تاریخی رییس‌جمهور چین، شی جین‌پینگ، و ملاقات او با آیت‌الله خامنه‌ای به‌نظر رسید. در آن زمان، هر دو کشور اعلامیه‌های عمومی در مورد نیت‌شان برای مشارکت رسمی‌تر نشر کردند. به گفته‌ی مقام‌های رسمی ایران، نقشه‌ی راه این مشارکت چند هفته پیش از سوی حکومت روحانی تصویب شده و مذاکرات بیش‌تر با چین انجام خواهد شد. این معامله ۲۵ ساله که شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی می‌شود، پیامدهای جیوپولیتیک و اقتصادی خواهد داشت.

علنی شدن جزئیات این توافق، شاید ماه‌ها زمان در بر گیرد. بر بنیاد حدس و گمان‌های رسانه‌ها و پیش‌نویس احتمالی درز کرده، این معامله راه را برای سرمایه‌گذاری چشم‌گیر چین در سکتورهای بااهمیت استراتژیک ایران مانند ترانسپورت، انرژی، مخابرات، جهان‌گردی و صحت، هموار می‌کند. آوازه است که این معامله شامل همکاری امنیتی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات استخباراتی نیز می‌شود. هرگونه همکاری نظامی و امنیتی میان چین و ایران، درحالی‌که در نگاه غرب تحریک‌آمیز است، اما آهسته آهسته انجام خواهد شد. هنگامی که ایران، چین و روسیه، تمرینات مشترک بی‌سابقه‌ی دریایی را در سال ۲۰۱۹ انجام دادند، یک متخصص امنیت چین به شورای اروپایی سیاست خارجی گفت که این تمرینات بیش‌تر برای رساندن پیام به ایالات متحده بود تا تبارز علاقه‌مندی چین برای اشتراک در عملیات‌های امنیتی سنگین با ایران. تهران و بیجینگ بیش‌تر یک رابطه‌ی عملگراییانه، متمرکز بر تجارت و غیرایدیولوژیک دارند. ایران پیامدهای رشد سریع چین به‌عنوان یک قدرت جهانی را کاملاً درک می‌کند. در

واقع، با توجه به آثار شدید تحریم‌های ایالات متحده بر تجارت میان اروپا و ایران، رهبران ایرانی چین را به‌عنوان یگانه قدرت بزرگ جهانی می‌بینند که می‌تواند سلطه‌ی اقتصادی امریکا را به چالش بکشد و بنابراین می‌تواند در برابر فشار روزافزون ایالات متحده برای کشورهای نیازمند اقتصادی، حمایت سیاسی فراهم کند. در عین حال، چین می‌داند که ایران یک قدرت بزرگ منطقه‌ای در چهارراه خاور میانه و آسیای میانه است؛ حوزه‌ای که برای ابتکار کمربند و راه از اهمیت بالایی برخوردار است. درحالی‌که چین یکی از مهم‌ترین شریک‌های تجاری ایران است، ایران هنوز ظرفیت فراوان دست‌نخورده برای سرمایه‌گذاری خارجی دارد و این عرصه‌ای است که بیجینگ می‌تواند روی آن سرمایه‌گذاری کند.

پس از دیدار ۲۰۱۶ رییس‌جمهور شی، گفت‌وگوها روی توافق مشارکت به‌کندی آغاز می‌شد. متخصصان چینی از ناراحتی حکومت و بازارگانان چین، به‌دلیل نادیده گرفته شدن آن کشور از سوی ایران بلافاصله پس از امضاشدن برجام و تمایل ایران برای کشاندن شرکت‌های اروپایی و امریکایی به قیمت قربانی کردن چینی‌ها، سخن گفتند. این رویه پس آن‌که دونالد ترمپ از توافق هسته‌ای بیرون شد و تحریم‌ها را احیاء کرد، بسیار به ضرر ایران تمام شد.

از گفت‌وگو با متخصصین و مقام‌های چینی دریافته‌ام که چین اجازه ن داده است مسائل مرتبط به ایران، گفت‌وگوهای حساس تجاری‌اش با امریکا را صدمه بزند. بر بنیاد گفته‌های ایرانی‌ها، چین پس از بیرون شدن امریکا از توافق هسته‌ای بهای سنگین روی دسترسی به شبکه‌ی مالی خود برای بازیگران ایرانی گذاشت. گزارش‌های وجود دارد که شماری از بانک‌های دولتی چین از معامله با ایران عقب‌نشینی کردند. در ماه اکتوبر، چین از پروژه‌های بزرگ گاز ایران بیرون شد. بعلاوه، پس از آن‌که امریکا تلاش کرد یک تحریم روی نفت ایران در ماه می ۲۰۱۹ وضع کند، با وجودی که هنوز هم چین بزرگ‌ترین خریدار صادرات نفت ایران است، خریداری تولیدات ایران سقوط شدید داشت.

حالا به‌نظر می‌رسد ایران و چین که هر دو در سال گذشته در حالت نامطمئن از سوی اداره‌ی ترمپ کنار گذاشته

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریایی zaki.daryabi2@gmail.com

• سردبیر چاپی: خادم‌حسین کریمی ۰۷۸۵۴۲۸۵۴۰

• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس، واجد روحانی و فریضه عالمی

• بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیر مهریار

• صفحه‌آرا: محمدرضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

• شماره تماس: ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ - ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷

• ایمیل: dailytilaatroz@gmail.com

• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷

• توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

mjoya.dailytilaatroz@gmail.com